

در این شماره میخوانید:

**زخم های روانی یک جنایت  
هنرمندان پیشکسوت رالرج نهم  
قیمت خرید برق خانگی ۳۷۰۰ تومن  
وابستگی ۹۰ درصدی روغن به واردات  
بیماری هایی که نفس را به چالش می کشند  
ظهور سویه جدید کووید ۱۹ در بخش هایی از جهان  
مترجم برجسته کتابهای سیاسی به دیار باقی شتافت**



**افزایش خودسرانه قیمت خودرو  
غیر قانونی است**

# چرا زردی در نوزادان به وجود می‌آید؟

۹۰٪ نوزادان سالم در جاتی از زردی را تجربه می‌کنند، هرچند این وضعیت اغلب بی‌خطر است، اما در صورت بی‌توجهی می‌تواند به آسیب مغزی دائمی منجر شود

## علت وقوع زردی در نوزاد

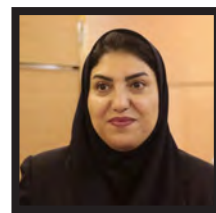
- تجزیه گلبول‌های قرمز در بدن
- افزایش سطح بیلی‌روبین در خون
- ناسازگاری‌های خونی بین مادر و نوزاد
- شیردهی نادرست به نوزاد
- کمبود آنزیم G6PD
- نقص عملکرد کبد
- بیماری ارثی

## درمان زردی

فتوتراپی (در صورت نداشتن مشکلات خونی یا ژنتیکی)  تعویض خون 



## به نام او



## سرمقاله

مریم حسرتی  
مدیر مسئول

در هفته گذشته اتفاقی رخ داد که جامعه دچار التهاب شد. دختری توسط راننده اسنپ که آنهم پلاک شهرستان بود به قتل رسید. این اتفاق اگرچه غم انگیز است اما جلوتر از آن بنده به عنوان یک مسول در جامعه یا همان شمش خبرنگاری بارها و بارها با نگارش و حتی گلایه به پلیس راهور گوشزد کرده بودم که رانندگان با خودروهای پلاک شهرستانی ها در تهران جولان داده و حتی مسافرکشی می کنند که سند آن در شماره نشریه صدای خاک و همینطور پیام های فضای مجازی موجود است. البته در چند روز گذشته در خصوص ممنوع شدن پلاک های شهرستانی و مسافرکشی آنها در تهران است (مدیرعامل تاکسیرانی تهران اعلام کرد: فعالیت خودروهای پلاک شهرستان در تهران ممنوع است) که این خبر مسرت بخش برای تمامی رانندگان تهرانی است که متاسفانه رانندگان خودروهای شهرستانی قوانین رانندگی در تهران را یا نمی دانند یا نمی خواهند استفاده کنند و طبق آمار پلیس راهور هم بیشتر تصادفات در تهران خودروهای پلاک شهرستانی است. امیدوارم این خبر واقعا به واقعیت تبدیل شود و تبدیل به شعار نباشد و ما شاهد کاهش آمار تصادفات و همینطور زبانی جمعیتی که به واسطه شغل مسافرکشی وارد تهران می شوند باشیم.

يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِن كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِّنَ الْبَيْعِ فَإِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِّن تُرَابٍ

ای مردم! اگر در رستخیز شک دارید، (به این نکته توجه کنید که:)

ما شما را از خاک آفریدیم

(سوره حج آیه ۵)



اخبار هفته نامه صدای خاک را در سایت خبری بخوانید

# SEDAYEKHAK.IR

۱۸	پیشگیری از اعتیاد یکی از چالش های مهم اجتماعی و بهداشتی است	۲	وابستگی ۹۰ درصدی روغن به واردات
۱۹	معماری، ساختار، طرز کار و نسل های هوش مصنوعی گراک	۴	واکنش وزارت صمت به افزایش خودسرانه قیمت خودرو: اقدام غیر قانونی است
۲۰	صبح بیداری!	۵	انواع مکمل های منیزیم و کاربرد آنها
۲۱	سینما، رها شده در بحران؟	۵	قیمت خرید برق خانگی ۳۷۰۰ تومان
۲۲	شمارش معکوس برای آغاز یک جشن	۶	(اخبار) ظهور سوبه جدید کووید ۱۹ در بخش هایی از جهان
۲۳	مستند تفسیری / مستند شاعرانه: از بازگویی حقیقت تا پرسه در احساس	۸	اختراع و ابداعات دود دختر جوان و نوجوان یک جانباز
۲۴	اگر نوشم نمی نیشم چرا بی	۱۰	علل افزایش فالوور یک چهره اینستاگرامی علی رغم کمپین آنفالویی
۲۵	نقش رسانه ملی و قوه قضاییه در کاهش معضلات اجتماعی	۱۲	تاکستان پدر بزرگ (قسمت ششم)
۲۶	دلنوشته نادر طریقت	۱۳	دانش سلامت راه چالش بکشید
۲۷	هنرمندان پیشکسوت راج نهمیم	۱۳	بیماری هایی که نفس را به چالش می کشند
۲۷	مترجم برجسته کتابهای سیاسی به دیار باقی شتافت	۱۴	زخم های روانی یک جنایت
۲۸	ابتکار اوس محمود برای سینماگران زیرزمینی	۱۵	بازدید سرزده استاندار گلستان الگویی مناسب برای مدیریت اجرایی کشور
		۱۶	گفت و گو با مصطفی قربان نژاد معمار دیروز، دی جی امروز

مدیر هنری: فاضل فایده  
مدیر بازاریابی: مانده حسرتی  
عکاس: وحید خدادادی  
چاپ: ایران کهن

عزیزانی که در این شماره تحریریه فعال بودند، سعید امانی، شاهپور محمدی، جبار آذین، نادر طریقت، بیژن همدرسی، سعید رجیبی فروتن، محمد تقی فهیم، عبدالرسول جوادی بالاجاده، سید حسین امامی، رقیه بقائی، میثم یزدان پناهی، مانده حسرتی، غلامرضا گمرکی

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: مریم حسرتی  
زیر نظر شورای سردبیری  
دبیر کل استان های کشور: آمنه جعفری  
دبیر بخش هنری: غلامرضا گمرکی



هفته نامه اقتصادی - اجتماعی صدای خاک  
با مجوز (۸۳۵۷۹)  
از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی  
سال هشتم - شماره ۲۱۷  
شنبه ۲۴ خرداد ماه ۱۴۰۴

آدرس: جمالزاده - خیابان نصرت - صندوق پستی: ۱۴۱۸۵۱۴۳  
تلفن مستقیم استان گیلان سرکار خانم جعفری: ۰۹۱۱۲۴۵۴۸۰۷ - مستقیم (تلگرام - ایتا) ۰۹۳۷۱۹۵۲۷۲۹۳

صدای خاک در تلگرام @sedayekhak\_shahri

صدای خاک در اینستاگرام



\_ s e d a y \_ k h a k

## وابستگی ۹۰ درصدی روغن به واردات

رئیس بخش تحقیقات دانه‌های روغنی سازمان تحقیقات با اشاره به اینکه حدود ۹۰ درصد نیاز کشور به روغن خوراکی از طریق واردات تأمین می‌شود، گفت: کشاورزان تنها در صورت صرفه اقتصادی به سراغ کشت دانه‌های روغنی می‌روند، بنابراین سیاست یارانه‌ای باید از واردات به تولید داخلی منتقل تا زمینه رشد پایدار و امنیت غذایی کشور فراهم شود.

برنج، ذرت یا پادام زمینی کشت کنند. او با اشاره به تأثیر یارانه‌های واردات بر بازار داخلی گفت: در حال حاضر یارانه روغن به واردات و با ارزش ترجیحی ۲۸ هزار و ۵۰۰ تومانی اختصاص می‌یابد. در چنین وضعیتی، کشاورز داخلی باید با روغنی رقابت کند که با این ارزش وارد کشور شده و قیمت‌گذاری نیز بر همین اساس انجام می‌گیرد. این روند باعث می‌شود قیمت‌ها کاهش یابد، در حالی که امکان افزایش قیمت فروش روغن برای حمایت از تولیدکننده نیز وجود ندارد، چرا که توان خرید مردم محدود است. در نهایت این تولیدکننده است که متضرر می‌شود و انگیزه‌ای برای ورود به کشت دانه‌های روغنی ندارد. راهکاری که بارها در محافل مختلف مطرح شده و می‌تواند به بهبود وضعیت کمک کند، این است که یارانه واردات به جای اختصاص به واردکننده، به تولیدکننده یا حتی مصرف‌کننده پرداخت شود تا از تولید داخل حمایت شود و انگیزه افزایش تولید ایجاد شود. غفاری در ادامه با اشاره به فعالیت‌های پژوهشی در بخش دانه‌های روغنی گفت: با وجود محدودیت‌های موجود، اقدامات امیدوارکننده‌ای در حوزه تحقیقاتی در حال انجام است. به عنوان نمونه، در بخش ارقام بهار که بیش از ۷۵ درصد اراضی زراعی ایران را پوشش می‌دهند، ارقام پرمحصول، زودرس، با درصد روغن بالا و سازگار با اقلیم ایران معرفی شده‌اند. این ارقام کاملاً در داخل کشور تولید می‌شوند و به پایداری تولید نیز کمک می‌کنند. وی ادامه داد: این ارقام و هسته‌های اولیه آن‌ها در داخل کشور اصلاح شده‌اند و ما هیچ‌گونه وابستگی به خارج نداریم. در صورت بروز مشکلات وارداتی، اطمینان داریم که تولید بذر در داخل کشور ادامه خواهد داشت. در زمینه سویا نیز تقریباً تمام ارقامی که در ایران کشت می‌شوند، در داخل کشور تولید شده‌اند. تاکنون ۱۹ رقم سویا توسط مؤسسه ما معرفی شده که استان مازندران را نیز تحت پوشش قرار داده‌اند. همچنین شش رقم بسیار سازگار و پرمحصول داریم که

استان‌های فارس، بوشهر، جنوب استان کرمان (جیرفت) و هرمزگان کشت می‌شود. کنجد از گیاهان با ارزش با کیفیت بالای روغن است که در حدود ۵۰ هزار هکتار از اراضی کشور کشت می‌شود و در صنایع غذایی و شیرینی‌پزی کاربرد دارد. کشت آن بیشتر در سه استان متمرکز است. وی همچنین به وضعیت کشت آفتابگردان اشاره کرد و گفت: آفتابگردان روغنی در استان‌های گلستان، خراسان شمالی و سمنان بیشترین سطح کشت را دارد. ابتدا گلستان، سپس سمنان و بعد خراسان شمالی در رتبه‌های بعدی هستند. این محصول به صورت پراکنده در استان‌های دیگر نیز کشت می‌شود. رئیس بخش تحقیقات دانه‌های روغنی سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی، در ادامه با اشاره به سهم پایین تولید داخلی روغن در کشور گفت: سالیان متمادی است که تنها حدود ۱۰ درصد نیاز کشور به روغن در داخل تولید می‌شود و ۹۰ درصد آن از طریق واردات تأمین می‌شود. این وضعیت حاصل عوامل متعددی است، اما مهم‌ترین آن‌ها، اقتصادی بودن یا نبودن تولید دانه‌های روغنی برای کشاورز است. تولیدکننده کشاورزی در کشور ما تنها به عنوان تأمین‌کننده روغن دیده می‌شود، در حالی که برای او، صرفه اقتصادی حرف اول را می‌زند. به عنوان مثال، در مناطق شمالی کشور، کشاورز میان کشت برنج و سویا یکی را انتخاب می‌کند و طبیعتاً اگر درآمد برنج بیشتر باشد، به سراغ آن می‌رود. قیمت ترمیمی سویا حدود ۴۳ هزار تومان است که برای کشاورز انگیزه کافی ایجاد نمی‌کند. غفاری همچنین درباره قیمت آفتابگردان روغنی گفت: قیمت خرید این محصول از کشاورز بین ۳۶ تا ۴۳ هزار تومان در هر کیلوگرم است و متوسط حدود ۴۰ هزار تومان در نظر گرفته می‌شود، اما این نرخ نیز برای کشاورز به ویژه در مناطقی با عملکرد پایین، قانع‌کننده نیست. در چنین شرایطی، کشاورزان ترجیح می‌دهند به جای دانه‌های روغنی، گیاهان رقیب مانند

مهدی غفاری - رئیس بخش تحقیقات دانه‌های روغنی سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی - در گفت‌وگو با ایسنا، درباره وضعیت کشت دانه‌های روغنی در کشور اظهار کرد: در ایران شش گیاه روغنی شامل کلزا، آفتابگردان، سویا، کنجد، کاملینا و پادام زمینی تعریف شده‌اند. البته پادام زمینی کمتر مورد استفاده قرار می‌گیرد، اما پتانسیل کشت تمامی این گیاهان در کشور وجود دارد. در سطح کشور، سطح زیرکشت متغیر است اما به طور متوسط بین ۲۰۰ تا ۳۰۰ هزار هکتار در سال متغیر بوده است. غفاری با بیان اینکه کم‌آبی بیشتر بر عملکرد دانه‌های روغنی تأثیر می‌گذارد تا بر سطح زیرکشت آن‌ها، ادامه داد: در برخی مناطق ممکن است به دلیل کمبود آب، کشتی صورت نگیرد یا سطح زیرکشت کاهش یابد، اما اثر اصلی کم‌آبی، کاهش عملکرد در واحد سطح است. در نتیجه ما بیشتر از نظر عملکرد دچار خسارت می‌شویم. وی افزود: کشت پاییزه نیازمند وجود رطوبت در فصل پاییز است تا کشاورز بتواند زمین را آماده کند و عملیات کاشت را انجام دهد و در صورت نبود بارندگی و وقوع تنش خشکی، آمادگی برای کشت از بین می‌رود و سطح زیرکشت کاهش می‌یابد. همچنین در کشت‌های بهار نیز نیاز به رطوبت اولیه وجود دارد، و اگر در اوایل بهار بارندگی کافی نباشد، آماده‌سازی زمین با مشکل مواجه می‌شود و به طور مستقیم سطح کشت پایین می‌آید. بنابراین اثر اول کم‌آبی، کاهش سطح زیرکشت و اثر دوم آن، کاهش عملکرد محصول است. رئیس بخش تحقیقات دانه‌های روغنی همچنین به استان‌های پیشرو در کشت این محصولات اشاره کرد و گفت: استان گلستان بیشترین سطح زیرکشت دانه‌های روغنی را به خود اختصاص داده است و پس از آن، خوزستان، مازندران، ایلام و منطقه مغان در استان اردبیل در رتبه‌های بعدی قرار دارند. گیاه گلرنگ در استان‌های اصفهان، آذربایجان شرقی، زنجان و همدان کشت می‌شود. کنجد نیز در



درباره کنگد نیز گفت: در حال حاضر ۱۰ رقم کنگد برای اقلیم‌های شمالی و جنوبی کشور معرفی شده است. یکی از چالش‌های این گیاه، ریزش محصول پس از رسیدگی است که منجر به افت عملکرد می‌شود. خوشبختانه روند اصلاح ارقام مقاوم به ریزش در موسسه در حال انجام است و ظرف یکی دو سال آینده این مشکل نیز مرتفع خواهد شد. به گفته غفاری، ظرفیت‌های خوبی برای سرمایه‌گذاری در کشورهای همسایه به ویژه آسیای میانه وجود دارد. شرکت‌های دانش‌بنیان ایرانی با حمایت سازمان‌ها و وزارتخانه‌ها می‌توانند از طریق تبادل محققان، کارگاه‌های مشترک و ایجاد ارتباطات بین‌المللی، وارد عرصه همکاری‌های منطقه‌ای شوند. غفاری با ابراز خوش‌بینی درباره ارتقای سطح دانش فنی کشاورزان ایرانی گفت: در گذشته بیشتر کشاورزی ما جنبه خودمصرفی داشت، اما اکنون کشاورزان با تأثیر بذرهای خوب آشنا شده‌اند و حاضرند برای آن هزینه کنند. مثلاً قیمت بذر آفتابگردان روغنی به طور چشمگیری افزایش یافته و کشاورزان همچنان از آن استقبال می‌کنند. وی افزود: در زمینه ادوات کشاورزی هم پیشرفت‌هایی دیده می‌شود. هرچند در برخی مناطق کشاورزان با مشکلات مالی یا محدودیت‌های تأمین اعتبار مواجه‌اند، اما در مجموع سطح آگاهی و گرایش به استفاده از فناوری‌های نوین بالا رفته است. غفاری در پایان تأکید کرد: افزایش تولید دانه‌های روغنی در داخل کشور، علاوه بر تضمین امنیت غذایی، به پایداری تولید کمک می‌کند. به ویژه اگر تأمین بذر و نهاده‌ها در داخل صورت گیرد، می‌توانیم در فصل کشت، به موقع پاسخ‌گوی نیاز کشاورزان باشیم. از همه مهم‌تر اینکه، روغن‌های تولیدی از گیاهان داخلی، از نظر کیفیت و سلامت تغذیه‌ای در سطح بسیار مطلوبی قرار دارند و مصرف آن‌ها، خیالی آسوده برای سلامت جامعه به همراه دارد.

کشاورز ترجیح می‌دهد گیاهان دیگری مانند برنج، ذرت یا بادام‌زمینی را جایگزین کند. غفاری با انتقاد از سیاست تخصیص یارانه‌ها به واردات روغن گفت: در حال حاضر یارانه‌ها با ارزش ترجیحی ۲۸ هزار و ۵۰۰ تومانی به واردات تعلق می‌گیرد. این موضوع باعث شده تولید داخلی نتواند با واردات رقابت کند. قیمت‌ها نیز بر اساس این ارزش تعیین می‌شوند و نمی‌توان قیمت روغن داخلی را بالا برد؛ چرا که فشار آن بر دوش مردم خواهد بود. او راهکار جایگزین را چنین توضیح داد: پیشنهاد مشخص این است که یارانه به جای واردات، به تولید داخلی تعلق گیرد. اگر یارانه مستقیماً به کشاورز، تولیدکننده یا حتی مصرف‌کننده اختصاص یابد، می‌توان امیدوار بود که تولید دانه‌های روغنی در کشور رشد کند. معرفی ارقام جدید با پتانسیل بالا غفاری در بخش دیگری از سخنانش به اقدامات بخش تحقیقات برای افزایش تولید دانه‌های روغنی اشاره کرد و گفت: در حال حاضر، ارقام پرمحصولی برای فصل بهار معرفی شده‌اند که درصد روغن بالایی دارند، زودرس هستند و با شرایط آب‌وهوایی ایران سازگارند. این ارقام در داخل کشور تولید می‌شوند و به پایداری تولید کمک خواهند کرد. وابستگی به خارج نداریم، چرا که هسته‌های اولیه و بذرهای اصلاح‌شده در داخل موجود است. در مورد سویا، تاکنون ۱۹ رقم توسط این مؤسسه معرفی شده که شش رقم آن بسیار پرمحصول و سازگارند. برای مثال، در اصفهان که با کم‌آبی مواجه هستیم، متوسط عملکرد به ۱۷۰۰ کیلوگرم در هکتار می‌رسد؛ در حالی که میانگین جهانی ۸۰۰ کیلوگرم است. روغنی با اشاره به ویژگی منحصر به فرد آفتابگردان گفت: این گیاه در ایران چهار فصل است. در مناطق جنوبی می‌توان آن را در پاییز یا زمستان نیز کشت کرد، که مزیتی کم‌نظیر در میان گیاهان روغنی به شمار می‌رود. غفاری

به ویژه در استان اصفهان عملکرد بالایی داشته‌اند. غفاری تصریح کرد: به عنوان مثال، اگر متوسط عملکرد جهانی گلرنگ ۸۰۰ کیلوگرم در هکتار باشد، این رقم در اصفهان با وجود کم‌آبی، به ۱۷۰۰ کیلوگرم رسیده است. این موضوع نشان می‌دهد که کشور ما ظرفیت‌های بالقوه‌ای برای توسعه کشت گیاهان سازگار با اقلیم خود دارد و گلرنگ یکی از گزینه‌های بسیار مناسب است. در زمینه آفتابگردان نیز تاکنون ۱۴ رقم هیبرید سینگل کراس در داخل کشور واریته‌سازی شده که در بسیاری از موارد با نمونه‌های خارجی رقابت می‌کنند و حتی از نظر عملکرد و سازگاری برتری دارند. تولید داخلی دانه‌های روغنی همچنان با محدودیت اقتصادی مواجه است رئیس بخش تحقیقات دانه‌های روغنی مؤسسه تحقیقات اصلاح و تهیه نهال و بذر، با اشاره به چالش‌های جدی در مسیر خودکفایی روغن خوراکی در کشور گفت: سالیان متمادی است که دانه‌های روغنی یکی از محصولات راهبردی بوده‌اند که نتوانستیم در زمینه تولید داخلی آن‌ها به نقطه مطلوب برسیم. هم‌اکنون حدود ۹۰ درصد نیاز کشور از طریق واردات و تنها ۱۰ درصد از محل تولید داخل تأمین می‌شود. به گفته غفاری، عوامل متعددی در این زمینه دخیل هستند که اغلب جنبه اقتصادی دارند. تولیدکننده کشاورزی ما زمانی به سراغ کشت دانه‌های روغنی می‌رود که برایش صرفه اقتصادی داشته باشد. به عنوان نمونه، در شمال کشور، کشاورز میان کشت برنج و سویا، دومی را کنار می‌گذارد چون درآمد برنج بیشتر است. برای مثال، قیمت تضمینی دانه سویا حدود ۴۳ هزار تومان است. آفتابگردان روغنی نیز بین ۳۶ تا ۴۳ هزار تومان در هر کیلو قیمت دارد که در مجموع، برای کشاورز قانع‌کننده نیست؛ به ویژه در مناطقی که عملکرد پایین‌تر است. در چنین شرایطی،

# واکنش وزارت صمت به افزایش خودسرانه قیمت خودرو: اقدام غیرقانونی است

مدیر عامل شرکت ایران خودرو مبنی بر اعلام قیمت‌های جدید محصولات مبتنی بر مصوبه هیات مدیره آن شرکت به استحضار می‌رساند بر اساس مفاد مندرج در ماده ۳ دستور العمل تنظیم بازار خودروی سواری (مصوبه ۵۴۳) شورای رقابت به همراه اصلاحات بعدی آن، فرآیند تنظیم قیمت پس از بررسی‌های کارشناسی می‌بایست با ابلاغ وزارت صمت، صورت پذیرد و برای عرضه‌کننده خودرو، لازم الاجراست.

با توجه به اینکه فرآیند قانونی اعلام قیمت طی نشده، بنابراین قیمت اعلامی در نامه فوق اشاره شرکت ایران خودرو از نظر این وزارتخانه محل ایراد است. شایان ذکر است بر اساس بند ۴ مصوبه ۴۰۳۰۲/م به تاریخ ۲۴ دی ماه ۱۴۰۳ مشعره "

مقرر شده هرگونه اعلام قیمت جدید توسط دستگاه‌هایی که طبق قانون اختیار قیمت‌گذاری محصولات یا خدمات را دارند، منوط به موافقت و تأیید ستاد تنظیم بازار باشد. موضوع اصلاح قیمت شرکت‌های تولیدی خودرو ساز داخلی طرح تصویب و در حال طی شدن مراحل ابلاغ است؛ بنابراین ضروری است تا طی شدن مراحل قانونی فوق جهت جلوگیری از ایجاد اضرار برای سهامداران محترم اقدامات لازم را معمول فرمائید. "

تکذیب افزایش ۲۵ درصدی قیمت خودرو گفتنی است که روز گذشته نیز، به تأکید وزارت صنعت، معدن و تجارت، مهرداد خسروی، به صراحت اعلام کرد: ادعای مطرح‌شده مبنی بر موافقت وزارت صمت با افزایش ۲۵ درصدی قیمت خودرو، کذب است و تاکنون هیچ تصمیم نهایی در خصوص تغییر قیمت‌ها اتخاذ نشده است.

مدیرکل دفتر خودرو وزارت صمت ضمن تأکید بر اینکه هرگونه تغییر قیمتی تنها از مجاری رسمی و از سوی وزارت صمت اعلام خواهد شد، افزود: موضوع قیمت‌گذاری خودرو همچنان در مرحله بررسی‌های کارشناسی قرار دارد و هنوز تصمیم مشخصی در این زمینه اتخاذ نشده است.

وی خاطرنشان کرد: اطلاع‌رسانی در خصوص هرگونه تغییر در سیاست‌های قیمتی صنعت خودرو، از سوی این وزارتخانه و به شکل رسمی انجام خواهد شد و مردم نباید به شایعات فضای مجازی توجه کنند.

جانشین وزیر صنعت، معدن و تجارت در امور بازرگانی در نامه‌ای به قید فوریت خطاب به مدیرعامل سازمان بورس، افزایش قیمت اعلام‌شده توسط ایران خودرو را غیرقانونی خوانده و خواستار توقف اجرای آن تا طی شدن مراحل قانونی شد، این واکنش پس از تصمیم یک‌جانبه هیئت مدیره ایران خودرو برای افزایش قیمت محصولات این شرکت صورت گرفت. به گزارش ایسنا، روز گذشته (سه‌شنبه ۲۰ خرداد ماه)، هیات مدیره ایران خودرو با استناد به آنچه "تعلل وزارت صمت در اعلام قیمت‌های جدید" خوانده بود، افزایش قیمت محصولات این شرکت را تصویب و اعلام کرد؛ این اقدام با واکنش سریع محمدصادق مفتاح، جانشین وزیر صمت در امور بازرگانی، مواجه شد که در نامه‌ای با قید فوریت به مجید عشقی، مدیرعامل سازمان بورس و اوراق بهادار، بر لزوم رعایت فرآیندهای قانونی قیمت‌گذاری تأکید کرد.

محمدصادق مفتاح - جانشین وزیر در امور بازرگانی - در واکنش به اقدام اخیر گروه صنعتی ایران خودرو، این تصمیم را غیرقانونی اعلام کرد.

در این نامه که امروز (چهارشنبه ۲۱ خرداد ۱۴۰۴) صادر شده است، این مقام مسئول با استناد به ماده ۳ دستورالعمل تنظیم بازار خودروی سواری (مصوبه شماره ۵۴۳ شورای رقابت و اصلاحات بعدی آن)، اعلام کرده است که فرآیند تعیین قیمت خودرو باید پس از بررسی‌های کارشناسی، با ابلاغ رسمی وزارت صمت انجام شود و برای خودروسازان لازم الاجراست.

مفتاح تأکید کرده است که اقدام ایران خودرو در اعلام قیمت‌های جدید بدون طی این فرآیند قانونی، از نظر وزارت صمت "محل ایراد" است.

جانشین وزیر صمت در امور بازرگانی همچنین به مصوبه ستاد تنظیم بازار (شماره ۴۰۳۰۲/م، مورخ ۲۴ دی ۱۴۰۳) اشاره کرده که هرگونه اعلام قیمت جدید توسط دستگاه‌های دارای اختیار قیمت‌گذاری را منوط به تأیید این ستاد می‌داند و خاطرنشان کرد که طرح اصلاح قیمت خودروسازان داخلی در حال بررسی است و مراحل ابلاغ آن هنوز تکمیل نشده است.

وی در این نامه از سازمان بورس خواست تا به جهت جلوگیری از ضرر سهامداران و تبعات احتمالی این اقدام، تدابیر لازم را اتخاذ کند.

این مقام مسئول هشدار داده است که اعلام قیمت‌های جدید بدون مجوز رسمی می‌تواند به التهاب بازار و آسیب به حقوق مصرف‌کنندگان منجر شود. متن و تصویر این نامه به شرح زیر است:

"جناب آقای صیدی

مدیر عامل محترم سازمان بورس و اوراق بهادار بازگشت به نامه شماره ۱۴۰۴۴۸۰۸۲ مورخ ۲۰/۳/۱۴۰۴



## انواع مکمل‌های منیزیم و کاربرد آنها

منیزیم در بیش از ۳۰۰ سیستم آنزیمی بدن نقش دارد و به تولید انرژی، عملکرد عضلات و اعصاب و تنظیم فشار خون کمک می‌کند. به گزارش ایسنا، این ماده معدنی ممکن است خطر ابتلا به برخی بیماری‌ها را هم کاهش دهد و به بهبود خواب، کاهش استرس و اضطراب و پیشگیری از گرفتگی عضلات هنگام خواب کمک کند. برخی بیماری‌ها، مصرف الکل، بعضی داروها و رژیم غذایی فاقد این ماده معدنی می‌توانند به کمبود منیزیم منجر شوند. افرادی که به بیماری‌های گوارشی مانند بیماری سلیاک یا کرون مبتلا هستند یا افرادی که جراحی بای‌پس معده انجام داده‌اند هم احتمال دارد دچار کمبود منیزیم شوند. بی‌خوابی، گرفتگی عضلات، یبوست، تهوع و استفراغ، خستگی و ضعف، بی‌حسی و سوزن سوزن شدن، تغییرات رفتاری و آریتمی‌های قلبی (نامنظمی ضربان قلب) از جمله علائم کمبود منیزیم به‌شمار می‌روند. در موارد شدید، کمبود منیزیم ممکن است به هیپوکالسمی (کاهش سطح کلسیم) یا هیپوکالمی (کاهش سطح پتاسیم) منجر شود. میزان مصرف روزانه توصیه‌شده منیزیم برای بزرگسالان، ۳۱۰ تا ۳۲۰ میلی‌گرم در روز برای زنان و ۴۰۰ تا ۴۲۰ میلی‌گرم در روز برای مردان است. به گزارش فاکس نیوز دیجیتال، کارشناسان سلامت می‌گویند اگرچه بهترین راه تأمین نیاز روزانه منیزیم، دریافت آن از طریق رژیم غذایی است اما در برخی موارد، مصرف مکمل نیز طبق تشخیص متخصص، توصیه می‌شود. به گفته متخصصان، مکمل منیزیم زمانی باید مصرف شود که کمبود آن مشخص شده باشد یا فرد در شرایطی قرار داشته باشد که باعث از دست رفتن بیش از حد منیزیم می‌شود، مانند مصرف مداوم برخی مواد یا داروها چرا که ازدیاد منیزیم در بدن هم می‌تواند مشکل‌ساز باشد و این مورد بیشتر از طریق مصرف بیش از حد مکمل‌ها اتفاق می‌افتد، نه از طریق غذا. مکمل‌های منیزیم در انواع مختلف و برای اهداف گوناگون عرضه می‌شوند و هر نوع آن به شکل متفاوتی در بدن جذب می‌شود. یکی از رایج‌ترین انواع مکمل‌های منیزیم، منیزیم سیترات است که معمولاً به صورت خوراکی مصرف می‌شود تا سطح منیزیم بدن را افزایش دهد و یبوست را برطرف کند. منیزیم کلرید نیز یکی دیگر از گزینه‌های مناسب برای جبران کمبود منیزیم به‌شمار می‌رود و علاوه بر آن، می‌تواند در کاهش سوزش سردل (ریفلاکس) و یبوست هم موثر باشد. برای دستگاه گوارش افرادی که سایر انواع منیزیم را به خوبی تحمل نمی‌کنند، احتمالاً منیزیم لاکتات و منیزیم مالیت ملایم‌تر و قابل تحمل‌تر باشند. منیزیم تائورات به دلیل کمک به تنظیم قند خون بالا و فشار خون بالا شناخته شده و ممکن است به حفظ سلامت مغز هم کمک کند. نمک‌های منیزیمی گلیسینات و تائورات هم برای ایجاد اثر آرام‌بخش استفاده می‌شوند. منیزیم گلیسینات همچنین می‌تواند به بهبود خواب، کاهش مشکلات روانی و درمان شرایط التهابی کمک کند. در هر صورت قبل از شروع مکمل منیزیم، حتماً با پزشک مشورت کنید، زیرا ممکن است با برخی داروها یا شرایط پزشکی تداخل داشته باشد.

## قیمت خرید برق خانگی ۳۷۰۰ تومان

وزارت نیرو در راستای توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر، خرید تضمینی برق از نیروگاه‌های خورشیدی خانگی را با قیمتی قابل توجه در دستور کار قرار داده است. به طوری که برق تولیدی توسط یک نیروگاه خورشیدی خانگی با ظرفیت ۵ کیلووات، به قیمت ۳۷۰۰ تومان به ازای هر کیلووات ساعت از مشترکان خریداری می‌شود؛ این در حالی است که خانوارها همچنان برق مصرفی خود را با تعرفه یارانه‌ای و ارزان دریافت می‌کنند. به گزارش ایسنا، با توجه به محدودیت‌های جدی در تأمین برق و برنامه وزارت نیرو برای محدودسازی مصرف مشترکان خارج از الگو، خانواده‌ها ناچار خواهند بود برای حفظ سطح مصرف فعلی خود، یا مصرف را کاهش دهند یا بخشی از برق مورد نیاز را از منابع جایگزین تأمین کنند. از جمله این گزینه‌ها، خرید برق از تابلوی برق سبز یا احداث نیروگاه خورشیدی در مقیاس خانگی است. طبق اعلام مسوولان هزینه تجهیزات یک نیروگاه خورشیدی ۵ کیلوواتی بین ۸ تا ۸.۵ میلیون تومان برآورد می‌شود. البته این رقم شامل هزینه‌های نصب نیست که باید توسط پیمانکاران بخش خصوصی اجرا شود. برای نصب چنین نیروگاهی، فضایی در حدود ۴۰ تا ۵۰ متر مربع نیاز است. این امکان برای ساکنان آپارتمان‌های چند واحدی نیز فراهم است تا به صورت اشتراکی اقدام به احداث نیروگاه کنند. علاوه بر درآمد حاصل از فروش برق، این پنل‌ها می‌توانند به عنوان سایه بان کولرهای آبی نیز عمل کرده و در مصرف برق صرفه جویی ایجاد کنند. از منظر فنی، خانواده‌ها می‌توانند از اینورترهای هیبریدی و همچنین سیستم‌های ذخیره‌ساز انرژی بهره ببرند تا در ساعات اوج مصرف یا قطعی برق، از برق ذخیره شده استفاده کنند و وابستگی خود به شبکه سراسری را کاهش دهند. بر اساس آخرین آمار در سال جاری ظرفیت

نصب شده انرژی‌های تجدیدپذیر کشور به ۱۷۱۰ مگاوات رسیده که ۵۱۴ مگاوات آن در تنها ۱۰ ماه گذشته به شبکه متصل شده است. این آمار نشان‌دهنده جهشی محسوس در مقایسه با میانگین رشد سالانه ۵۰ مگاواتی در دو دهه گذشته است. بنا بر برنامه‌های اعلام‌شده، در تابستان امسال نیز بیش از ۲۸۰۰ مگاوات نیروگاه خورشیدی جدید وارد مدار خواهد شد و عملیات اجرایی برای ظرفیت‌های بیشتر نیز آغاز شده است. در مسیر دستیابی به هدف ۳۰ هزار مگاوات ظرفیت انرژی تجدیدپذیر تا سال آینده، وزارت نیرو بر جذب سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی تمرکز کرده است. برای پروژه‌های کوچک، تسهیلات از محل ردیف‌های اشتغال و صندوق کارآفرینی امید در حال اجراست و برای طرح‌های بزرگ، امکان بهره‌برداری از صندوق توسعه ملی و نیز استفاده از فاینانس خارجی در دستور کار قرار دارد. همچنین، برای اطمینان از اجرای سریع‌تر پروژه‌ها، پیشنهاد شده است که پروژه‌ها خود به عنوان ضمانت تسهیلات در نظر گرفته شوند. با افزایش فشار بر شبکه برق کشور و همزمان، ارائه قیمت تضمینی خرید برق از سوی دولت، خانوارهایی که اقدام به احداث نیروگاه خورشیدی کنند، نه تنها در برابر محدودیت‌های مصرف برق مقاوم می‌شوند، بلکه به یک منبع درآمد قابل اتکا نیز دست می‌یابند. اگرچه هزینه اولیه نصب ممکن است برای برخی سنگین باشد، اما در صورت تدوین سازوکارهای حمایت مالی هدفمند، امکان توسعه گسترده این الگو در سراسر کشور وجود دارد. نیروگاه خورشیدی خانگی، اکنون دیگر نه یک کالای لوکس، که گزینه‌ای اقتصادی و راهبردی برای آینده است.



برق ذخیره شده استفاده کنند و وابستگی خود به شبکه سراسری را کاهش دهند. بر اساس آخرین آمار در سال جاری ظرفیت



## سرانه مصرف گوشت در ایران با استانداردهای جهانی فاصله زیادی دارد

دمای هوای سطح زمین در این ماه ۱۵.۷۹ درجه سلسیوس ثبت شده که ۰.۵۳ درجه بالاتر از میانگین قبلی برای ماه مه در بازه ۱۹۹۱ تا ۲۰۲۰ است. ۵۰ درجه سلسیوس، هدف اقلیمی توافق شده در پیمان پاریس در سال ۲۰۱۵ است. این هدف بر پایه میانگین دمای جهانی در بازه‌های ۱۰ تا ۲۰ ساله سنجیده می‌شود؛ بنابراین، عبور از این آستانه در یک سال به تنهایی به معنای شکست در تحقق هدف نیست اما نشان دهنده تداوم و شدت یابی وضعیت اضطراری اقلیمی است. همچنین توجه به این نکته ضروری است طبق داده‌هایی که از سال ۱۸۵۰ تاکنون گردآوری شده‌اند، در یک دهه گذشته، هر سال جزو ۱۰ سال گرم ثبت شده در تاریخ بوده است. به گزارش گاردین، هوای خشک در بسیاری از نقاط جهان همچنان ادامه دارد. در ماه مه ۲۰۲۵، بخش‌های وسیعی از شمال و مرکز اروپا، همچنین مناطق جنوبی روسیه، اوکراین و ترکیه، خشک‌تر از حد میانگین بودند. برخی مناطق شمال غربی اروپا کمترین میزان بارش و رطوبت خاک را از سال ۱۹۷۹ تاکنون تجربه کرده‌اند. در ماه مه ۲۰۲۵، شرایط خشک‌تر از حد میانگین در بخش‌های زیادی از آمریکای شمالی، شاخ آفریقا، آسیای مرکزی، جنوب استرالیا و همچنین مناطق گسترده‌ای از جنوب آفریقا و آمریکای جنوبی گزارش شده است. بر اساس گزارش کوپرنیک، ماه مه همچنین شاهد دمای غیرعادی بالای سطح دریا در شمال شرقی اقیانوس اطلس بود که به بالاترین میزان ثبت شده تاکنون رسید.

### ظهور سویه جدید کووید ۱۹ در بخش‌هایی از جهان

مقامات بهداشتی در سازمان جهانی بهداشت نسبت به افزایش موارد ابتلا به سویه جدیدی از کووید-۱۹ هشدار می‌دهند. به گزارش خبرنگار مهر به نقل از مدیسین نت، این سویه جدید، ۱.۸.۱. NB، در مناطق مدیترانه، آسیای جنوب شرقی و غرب اقیانوس آرام مشاهده شده است. از اواسط ماه مه، این گونه در تقریباً ۱۱ درصد از نمونه‌های توالی‌یابی شده گزارش شده در سراسر جهان شناسایی شده است. سازمان جهانی بهداشت این گونه را به عنوان «سویه تحت نظارت» تعیین کرده است و در حال حاضر خطر بهداشتی عمومی را در سطح جهانی کم ارزیابی می‌کند، با این انتظار که واکنش‌های فعلی در برابر آن مؤثر باقی بمانند. در حال حاضر، سازمان غذا و داروی ایالات متحده، دوز یادآور واکسن کووید ۱۹ را فقط برای بزرگسالان ۶۵ سال به بالا و افرادی که شرایط سلامتی خاصی دارند که آنها را در معرض خطر عوارض شدید قرار می‌دهد، توصیه می‌کند. سازمان جهانی بهداشت در به‌روزرسانی شیوع بیماری اظهار داشت: «سازمان جهانی بهداشت همچنان به نظارت بر سویه‌های

رئیس انجمن علوم دامی کشور اظهار کرد: به رغم واردات گوشت قرمز، سرانه مصرف گوشت در کشور افزایش نیافته و با استانداردهای جهانی فاصله زیادی داریم. به گزارش ایسنا، محمد حسین مرادی در اولین همایش ملی دام سبک ایران که در دانشکده‌گان کشاورزی و منابع طبیعی دانشگاه تهران در کرج برگزار شد، اظهار کرد: بخش دام سبک به رغم سابقه دیرینه در تولید گوشت و پشم از اعتبارات و نهاده‌ها بهره کافی نبرده و این موضوع باعث چالش‌هایی در این حوزه شده است. وی با بیان اینکه ایران در زمره پنج کشور اول در تعداد دام سبک محسوب می‌شود، افزود: در طی دو سال گذشته بیش از ۲ میلیارد دلار واردات گوشت اتفاق افتاده، اما در مقابل نتوانسته‌ایم سرانه مصرف گوشت را در کشور افزایش دهیم و از این نظر با استانداردهای جهانی فاصله زیادی داریم. رئیس انجمن علوم دامی کشور اظهار کرد: در دهه‌های گذشته ترکیب زیادی از جمعیت کشور از روستانشینی به شهرنشینی روی آورده‌اند. به طوری که تولید کنندگان دیروز به مصرف کنندگان امروز تبدیل شده‌اند و به تولید و ادامه شغل اجدادی خود رغبتی ندارند. وی با اشاره به تاثیر خشکسالی بر مراتع بیان کرد: با توجه به خشکسالی‌ها در بخش مرتع وضعیت مناسبی نداریم. از این نظر لازم است با برگزاری چنین همایش‌هایی همفکری‌های تخصصی بیشتری در حوزه نگهداری و توسعه مراتع صورت گیرد. وی در پایان یادآور شد: واکاوی‌ها حاکی از آن است که بین پژوهش و اجرا رابطه خوبی وجود نداشته است، بنابراین انجمن علوم دامی به دنبال این است که حلقه مفقوده این زنجیره را کامل کند.

### بهار خشک در اروپا و ثبت دومین ماه مه گرم تاریخ در جهان

سرویس تغییرات اقلیمی کوپرنیک (C۳S) اعلام کرد بهار امسال در شمال غرب اروپا به طرز چشمگیری خشک بوده و ماه جاری میلادی نیز به عنوان دومین ماه مه گرم تاریخ در سطح جهانی ثبت شده است. به گزارش ایسنا، کشورهای مختلف اروپا از جمله بریتانیا در ماه‌های اخیر با شرایط خشکسالی مواجه شده‌اند و در صورت نباریدن باران زیاد در فصل تابستان، احتمال کم‌آبی وجود دارد و کشاورزان نیز از آغاز خسارات به محصولات زراعی خبر داده‌اند. همچنین داده‌های جدید کوپرنیک نشان می‌دهد ماه مه ۲۰۲۵ دومین ماه مه گرم تاریخ در سطح جهانی بوده است و میانگین





نوظهور کرونا ادامه می‌دهد و با حمایت گروه مشاوره فنی تکامل ویروس، ارزیابی ریسک را برای گونه‌های مورد نظر و گونه‌های تحت نظارت انجام می‌دهد. ارزیابی سویه غالب فعلی تحت نظارت، موسوم به ۸.۱.۱.P، و سویه اخیراً تعیین شده تحت نظارت، ۱.۸.۱.NB، نشان می‌دهد که هیچ افزایش خطری برای سلامت عمومی ناشی از این سویه‌ها در مقایسه با سایر سویه‌های در گردش وجود ندارد.»

### گزینه‌های زنجانی برای مدیرعاملی سایپا/ چهار خواستگار خوش شانس خودروسازی

رقابت برای تصاحب مدیریت سایپا بسیار داغ شده و گروه‌های مختلف در حال رایزنی می‌باشند. به گزارش خط بازار؛ رقابت برای تصاحب مدیریت سایپا بسیار داغ شده و گروه‌های مختلف در حال رایزنی می‌باشند. رقابت اصلی بین گروه ۴ گروه، کرمانی‌ها، زنجانی‌ها، مشهدی‌ها و اصفهانی‌ها است. هر کدام از این گروه‌ها نقاط قوت و ضعف خود را دارند. به طور مثال کرمانی‌ها، با مشکل نقدینگی و تامین مالی مواجه هستند هرچند که این بیشتر از آنکه خودروساز باشد بازرگان خودرو است. تمرکز کرمانی‌ها بر روی شیخ زاده و نجفیان است. البته عمده چالش کرمانی‌ها در این راه، عدم مقبولیت در بالا است. تصاحب سایپا توسط کرمانی‌ها به معنای نفوذ بیشتر جریان کارگزاران در اقتصاد و صنعت کشور است که دارای معانی سیاسی قابل توجهی است. زنجانی‌ها با محوریت فیروزه‌ای‌ها و برخلاف کرمانی‌ها، منابع مالی قابل توجهی با منشا خارجی دارد و لذا به معنای واقعی به دنبال ایجاد ارزش افزوده جدید است و نه استفاده از منابع داخلی همچون بانک شهر. البته زنجانی‌ها دارای شخصیت انحصارطلب، تک رو و فاقد تخصص خودرویی هستند. لذا در حال شناسایی مدیران خودرویی برای بخش‌های مختلف می‌باشند و نام مدیران از طیف‌های مختلف در لیست وی قرار دارد. این موضوع دقیقاً یکی از تفاوت‌های اساسی زنجانی با جنتلمن است. (انتخاب مدیران قبل از واگذاری) در این گروه برای مدیرعاملی سایپا. سعید مدنی، حسن عموزاده، مصطفی وحیدزاده سه گزینه اصلی هستند که به دلیل ترک زبان بودن، فیروزه‌ای بودن و مقبولیت بین دولت و حاکمیت شانس وحیدزاده از بقیه بیشتر و فرخ‌تر است. البته نام محمدعلی حیاتی و عبدالله سلطانی‌ثانی نیز در این گروه به گوش می‌رسد. مشهدی‌ها با محوریت حمید صمدی (مالک رایزکو) و علی انصاری (مالک بانک آینده) دیگر رقیب جدی این گروه هستند که برای این

گروه عبدالله سلطانی‌ثانی و سید مرتضی منتظرالمهدی گزینه‌های خوبی برای مدیرعاملی سایپا به گوش می‌رسد. اصفهانی‌ها هم منابع مالی خوبی دارند ولی به دلیل عدم تجربه کافی در خودروسازی دست به دامن حقیقت (پریشیا خودرو) شده‌اند. این گروه از دیگران مقبول‌تر و کم‌حاشیه‌تر هستند. علیرادلوا اصلی‌ترین فرد خودرویی نزدیک به این جریان است.

### سنجش تنفس برای جلوگیری از کمای دیابتی

محققان دانشگاه ایندیانا در آمریکا دستگاه جدیدی ابداع کرده‌اند که در آینده جایگزین روش‌هایی برای محافظت بهتر در مقابل نوسان قند خون می‌شود. به گزارش خبرگزاری مهر به نقل از فیز، این ابزار به افراد در معرض ابتلا به دیابت نوع دوم کمک می‌کند قند خون خود را بهتر رصد کنند تا ریسک این بیماری را کاهش دهند. دستگاه Isaac که توسط شرکت PreEvnt ساخته شده، ابزاری سبک و کوچک است که به گردن فرد آویخته می‌شود تا فقط با رصد نفس کشیدن او، اطلاعات راحت و دقیق درباره قند خون وی را فراهم کند. این دستگاه سنجش تنفس با همکاری انستیتو توسعه نانوسیستم‌های یکپارچه در دانشگاه ایندیانا و با الهام از سگ‌های مخصوص کمک به افراد دیابتی ساخته شده است. این حیوانات طوری آموزش دیده‌اند تا هنگامی که صاحبشان دچار کاهش قند خون که ممکن است به شرایط خطرناکی مانند کما منجر شود، آن را ردیابی کنند. منجیلال آگروال مدیر این انستیتو در این باره می‌گوید: آزمایشگاه ما توانست به طور موفقیت‌آمیز مولکول‌های خاصی در تنفس فرد که با کاهش قند خون مرتبط است را شناسایی کند. این مولکول‌ها در حقیقت بویی هستند که سگ‌های مذکور ردیابی می‌کنند. ما علاوه بر شناسایی این مولکول‌ها حسگرهایی در مقیاس نانو را برای ردیابی آنها آزمایش و هم‌زمان با شرکایمان برای تجاری‌سازی این فناوری همکار می‌کنیم. هرچند استفاده از دستگاه سنجش تنفس به عنوان یک جایگزین غیرتهاجمی برای اندازه‌گیری قند خون در نهایت به سرعت و دقت آن در انجام این فرایند دارد؛ اما محققان معتقدند این ابزار از روش‌های اندازه‌گیری قند خون فعلی پشتیبانی می‌کند.



## اختراع و ابداعات دو دختر جوان و نوجوان یک جانباز

داشتم که به چاپ رسیده است.  
تاکنون چه فعالیت‌هایی داشتید، آیا فعالیت‌های که  
منجر به اختراع می‌شود در دروستان تاثیر داشته و  
دارد؟

در زمینه بیوتکنولوژی، حوزه گیاهان دارویی، سلول‌های بنیادی، پرسش مهر ریاست جمهوری، اولین مسابقه خلق ایده ریاست جمهوری مقام اول کشوری مسابقات داشتم. در این حوزه‌ها در پژوهش‌سراهای آموزش و پرورش و قطب زیست فناوری کشوری نیز مدرس بودم. و اینکه فعالیت اختراعم در دروسم متاسفانه تاثیر خاصی نداشته است.

آیا با توجه به درس‌هایی که دارید روی ایده‌هاش کار می‌کنید؟

نویسنده ۷ کتاب در حوزه پزشکی؛ سرفصل‌هایی تحت عنوان اندام‌های بدن من، کلیه من، قلب من، چشم من، ریه من، حرکت بدن، حس بویایی و چشایی من، دیابت هم هستم. مطالعه تلفیقی و ایجاد ترکیب مفهوم دروسی مثل زیست‌شناسی، فیزیک و شیمی موجب تغییر دیدگاه و ایجاد ایده‌های نوین در من می‌شود و با استفاده از دیدگاه علمی و خلاقیت یک ایده مطلوب شکل می‌گیرد.

ایده‌های اولیه اختراعتون از کجا شکل گرفت؟

با شرکت کردن در مسابقات بیواستارتاپ در سال ۹۸ و موضوع مسابقه تحت عنوان ایجاد ایده نوین در جهت بهبود پاندمی شدن کرونا، اول ایده به صورت ماسک تهویه هوا بود؛ ولی با توجه به تغییرات و مشاهده ایجاد اختلالات خواب افراد بعد از گرفتن بیماری، این ایده دستخوش تغییر شد. در این بازه زمانی من به همراه مادرم برای دیدار با جانبازان ثارالله رفتم و برای ادامه این مسیر در جهت کمک و همیاری جانبازان اعصاب و روان مصمم تر شدم.

لطف می‌کنید در مورد اختراعتون بیشتر توضیح



### زهرا صمدی

خواهران امیری؛ پژوهشگران نخبه‌ای هستند از دل همین نسل جدید که با تلاش فراوان خود توانسته‌اند تحولی در مسیر علم و دانش به وجود بیاورند. این دختران که پدری جانباز دارند در رسیدن به اهداف خود تلاش کردند و هیچ مشکلی سد راهشان نشد به بهانه ابداعات جدیدی که هر دو فرزند جانباز امیری دارند به گفتگو نشسته‌ایم که می‌خوانید:

لطفا خودتان را معرفی کنید؟

نازنین زهرا امیری؛ پژوهشگر برتر جوان، مولف و مخترع اولین چشم‌بند زیستی خواب هستم.

باران امیری؛ پژوهشگر نوجوان، نویسنده و ورزشکار هستم.

چند ساله و در چه مقطعی در حال تحصیل هستید؟

نازنین زهرا؛ ۱۹ ساله، پایه دوازدهم متوسطه دوم، رشته علوم تجربی  
باران؛ ۱۴ ساله، پایه هشتم متوسطه اول

نازنین زهرا امیری؛ آیا تاکنون اختراعتون ثبت شده است؟

بله؛ ثبت سازمان مالکیت معنوی قوه قضائیه شده است. در زمینه بیوتکنولوژی هم مقاله علمی پژوهشی





## بدهید؟

این اختراع؛ اولین چشم بند زیستی خواب هست که برای بهبود اختلالات خواب، کم خوابی، بیماری هایی همچون میگرن و آلرژی نیز به کار گرفته می شود. این چشم بند متناسب با هر فردی (در ابتدا فرد مورد بررسی از نظر طبع و مزاج قرار می گیرد) طراحی می شود و با استفاده از شیوه نوین انتقال گرما باعث خواب آوری می شود. فرد با استفاده محصول حدود ۱۰ الی ۱۵ دقیقه بعد آن می تواند یک خواب راحت را تجربه کند.

## آیا پدر بزرگوارتان در خصوص اختراع مورد نظر به شما کمک کرده است؟

بله؛ پدر همیشه حامی و تکیه گاه بنده در جهت حمایت بوده است.

## آیا بازاری تاکنون برای خرید این اختراع داشتید؟

اگر منظورتان خواهان خرید مالکیت اختراع هست. بله؛ ولی در خصوص تولید انبوه حمایتی نبوده است که این مورد صورت بگیرد در صورتی که تمام پتل بیزینس مارکت این محصول کاملاً توسط بنده برآورد شده است.



خانم باران امیری؛ شما هم لطف می کنید راجع به کارهایتان و کتاب هایی که نوشته اید، توضیح دهید و در چه رشته ورزشی فعالیت دارید و و اینکه آیا شما هم اختراعی داشته اید؟

بنده هم در زمینه زیست فناوری، گیاهان دارویی، سلول بنیادی مقام استانی داشتم. در رشته ریاضی، مقام دوم و سوم کشوری داشتم. در رشته ورزشی دومیادانی، مقام اول تا سوم استانی و کاراته مقام اول کشوری داشتم. مولف ۶ کتاب کودک و نوجوان به نام های دختر ترک دو زبانه فارسی و انگلیسی، آرزوی باران، سفر باران به اصفهان، شکارچی، داستان های کوتاه، من قرآن کوچکم هم هستم. و طراح آرم و لوگو هم هستم. خیر اختراعی ندارم.

خواهران امیری از اینکه فرزند یک جانباز سرافراز میهن هستید، احساس خودتان را بیان می کنید؟

باعث افتخار و مایه سافرازی ما ست که پدری این چنین دلسوز و فداکار داریم.

آیا جانبازی پدر در پیشبرد کارهایتان تأثیری داشته است؟

در خصوص تحصیل بله چون که مدرسه شاهد بودیم و هستیم؛ ولی کارهای علمی و پژوهشی خیر.

چقدر در منزل به مادرتان کمک می کنید؟

در همه موارد منزل سعی کرده ایم، کمک کنیم. مادرمان در تمام مراحل کارهای علمی پژوهشی تحقیقات همراه همیشگی ما بوده است

فکر می کنید چقدر از هم سن و سالان خود جلوتر هستید؟

حدود چند درجه بالاتر؛ چون ما بیشتر در حال تلاش، تحقیق، بررسی و تدریس هستیم.

در پایان چه توصیه ایی به هم سن و سالان خود دارید لطفا در قالب یه پیام عنوان کنید؟

درس خواندن را برای کسب علم و دانش کشور فرا بگیرید و در مسیر علاقه خود گام بردارند. سپاس فراوان از وقتی که در اختیار بنده قرار دادید. امیدوارم تلایای ترین اتفاقات در سرنوشتتان رقم بخورد.



## علل افزایش فالووریک چهره اینستاگرامی علی رغم کمپین آنفالویی

به چیزهایی که معمولاً نامطلوب تلقی می‌شوند، علاقه نشان دهد و از آنها لذت ببرد. مثلاً تمایل افرادی که به نظاره اعدام در ملأ عام می‌نشینند و یا در مواقع حوادث ناگوار مثل آتش گرفتن خودرو و سوختن سرنشینان به فیلمبرداری می‌پردازند، می‌تواند نشانه‌ای از ویژگی‌های سادیستی (لذت بردن از آزار و اذیت دیگران) یا میل به خشونت باشد که در برخی افراد قوی‌تر است. این افراد ممکن است حس عمیقی از همدلی نداشته باشند یا دچار بی‌تفاوتی باشند. روانشناسان اشاره می‌کنند که برخی افراد با ویژگی‌های ژنتیکی خاص، همدلی کمتری دارند و از رنج دیگران متأثر نمی‌شوند. از قدیم در ادبیات ما ضرب‌المثل مهمی به نام کبوتر با کبوتر، باز با باز مطرح بوده است، هر فردی مثل خود را می‌یابد و با او دوست می‌شود؛ چه در فضای مجازی و چه

این سؤال پاسخ دهیم؛ جدا از اینکه مطمئناً بحث‌هایی مانند فالوور فیک و... مطرح هست و یا افرادی از سر کنجکاوی و فهمیدن و سردرآوردن از موضوع به سراغ این پیج رفته‌اند. ابتدا تحلیل روانشناسی و سپس جامعه‌شناسی ارائه می‌شود. وقتی بخشی از مغز به نام آمیگدال فعال شود، هر فرد ممکن است به چیزهایی که معمولاً نامطلوب تلقی می‌شوند، علاقه نشان دهد. آمیگدال نقش مهمی در پردازش احساسات و به خصوص ترس دارد. اگر این بخش به طور غیرمعمول فعال شود، ممکن است هر شخص واکنش‌های غیرطبیعی نسبت به محرک‌های مختلف نشان دهد. در شرایط عادی، آمیگدال به ما کمک می‌کند تا خطرات را تشخیص داده و واکنش‌های مناسبی به آنها نشان دهیم، اما در برخی افراد این بخش ممکن است بیش از حد فعال و در نتیجه باعث شود که فرد

طی چند روز گذشته یک کمپین مجازی شکل گرفت و چهره‌های مهم و سرشناس اینستاگرامی از مخاطبان نشان درخواست کردند فردی با نام و هویت معلوم را آنفالو کنند؛ چرا که او علاوه بر آنکه همواره در فیلم‌ها و ویدئوهایش، ادبیات مبتذلی پر از فحش‌های رکیک و زننده دارد، حتی به زنان نیز بارها توهین کرده و نه تنها ماجرای آزار جنسی سه نفر از اعضای تیم دو و میدانی را آبروریزی نمی‌داند بلکه از آن به عنوان افتخار ملی یاد می‌کند، اما هیچ‌کدام از کمپین‌ها کارکردی مثبتی نداشت و نه تنها تعداد فالوورهای او کاهش نیافت بلکه افزایش یافت. چرا این اتفاق افتاد؟ در این نوشتار سعی داریم به



سید حسین امامی  
دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی سیاسی

در فضای واقعی. هر دوست نشان دهنده شخصیت دوست دیگر است. افراد تمایل دارند با کسانی در ارتباط باشند که شبیه خودشان است یا ارزش‌های مشابهی دارد. محتوای مبتذل پر از فحش‌های رکیک و زننده» برای بخش خاصی از مخاطبان جذابیت دارد. همانهایی که بالقوه و یا بالفعل همانند او هستند. بنابراین اطراف او جمع می‌شوند. این شخص به هر دلیلی توانایی بروز احساسات خود را دارد، اما عده‌ای این توانایی را ندارند، اما چون دوست دارند و خوششان می‌آید دور او جمع می‌شوند.

به هر حال شنیدن فحش‌های رکیک و دیدن رفتارهای تابوشکنانه می‌تواند برای برخی هیجان‌انگیز و جذاب باشد. از این دست پدیده قبلاً هم داشته‌ایم، مثلاً راجع به بازیکنان فوتبال یا رأی دادن به حسین رضازاده و ... اصولاً رفتار در فضای مجازی توسط مردم، احساسی است؛ خصوصاً وقتی بحث رفتار اجتماعی مطرح می‌شود. رفتارهای اجتماعی به شدت تحت تأثیر شرایط و موقعیت‌های اجتماعی قرار می‌گیرند. یک فرد ممکن است در جمع دوستانش رفتاری متفاوت از محیط کار یا در یک مراسم رسمی داشته باشد. هنجارها و انتظارات اجتماعی هر زمینه، نوع رفتار مجاز و مورد انتظار را تعیین می‌کند.

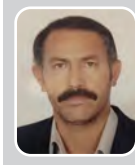
منظورم به پدیده‌ای در روان‌شناسی اجتماعی و جامعه‌شناسی به نام رفتار جمعی یا گاهی اوقات هیستری جمعی یا جنون گروهی اشاره دارد. این نوع رفتارها زمانی اتفاق می‌افتد که گروه بزرگی از افراد، معمولاً در یک جمعیت یا جمعیت‌های پراکنده اما مرتبط با یکدیگر، به شکلی غیرمنطقی، هیجانی، ناگهانی و بدون سازماندهی مشخص، عمل می‌کنند.

طبق نظریه سرایت؛ در یک جمعیت، افراد با از دست دادن هویت فردی خود، به «قربانیان» سرایت هیجان‌ات و ایده‌های جمعی تبدیل می‌شوند و به صورت ناخودآگاه و غیرعقلانی عمل می‌کنند. همچنین در نظریه‌های جدیدتر هم مطرح شده است که در یک جمعیت، هنجارهای رفتاری جدیدی به صورت خودبه‌خود ایجاد می‌شوند که افراد شروع به پیروی از آن‌ها می‌کنند. نظریه هویت اجتماعی هم بیان می‌کند که رفتار جمعی ناشی از شکل‌گیری یک هویت اجتماعی مشترک در بین اعضای گروه است. وقتی افراد خود را بخشی از یک «ما» می‌بینند، بر اساس ارزش‌ها و باورهای مشترک آن گروه عمل می‌کنند و هماهنگی بیشتری از خود نشان می‌دهند. توده از مردم عادی خوشش می‌آید. حرف جدید، مهم، نو و علمی به درد کسی می‌خورد که آن را بفهمد و در پی آن باشد، که معمولاً غالب مردم از این امر دوری می‌کنند. همان افرادی که کتابخوان و روزنامه‌خوان نیستند، وارد این معرکه می‌شوند و برعکس وارد بخشی از فضای مجازی که حرف علمی دارد نمی‌شوند و فالوور افراد علمی و دانشگاهی نیستند. در یک کلیپی که بهرام رادان دو نفر از چهره‌های سرشناس اینستاگرامی را دعوت کرده، شاید دیده باشید، همین وضعیت مشاهده می‌شود. این افراد از اینکه کسی جرأت می‌کند خطوط قرمز را بشکند، لذت می‌برند. برای بخشی از جامعه که خودشان هم از این نوع ادبیات استفاده می‌کنند، دیدن فردی که بدون سانسور حرف دلشان را می‌زند، نوعی همذات‌پنداری ایجاد می‌کند. خودشان ممکن است به هر دلیلی اعم از کمروبی و خجالت و ... از این ادبیات استفاده نکنند، اما وقتی کسی با صدای

بلند حرف دلشان را بیان می‌کند، مورد توجه قرار می‌گیرند. در ادامه درباره موارد اجتماعی این موضوع، چنین پدیده‌هایی در خارج از ایران هم سابقه دارد. وقتی یک کمپین منفی علیه فردی راه می‌افتد، بسیاری از افراد که پیش از این او را نمی‌شناختند، کنجکاو می‌شوند تا ببینند این فرد کیست و چه کارهایی انجام داده که این قدر مورد هجمه قرار گرفته است. این کنجکاو منجر به فالو کردن و بررسی محتوای او می‌شود.

همچنین برخی افراد ممکن است در واکنش به کمپین تحریم، فرد مورد نظر را فالو کنند. این عمل می‌تواند از سر دهن کجی به گروه مقابل یا حس همبستگی با فرد باشد. علت هرچه باشد به هر حال در همان مقوله هم‌فکری و هم‌سلیقگی و هم‌طبقگی می‌گنجد. هرچه بیشتر در مورد فردی صحبت شود، چه مثبت و چه منفی، نام او بیشتر شنیده می‌شود و در ذهن‌ها می‌ماند. الگوریتم‌های شبکه‌های اجتماعی نیز به محتوایی که بحث برانگیز است و تعامل (کامنت، لایک، شیر) زیادی دارد، بیشتر اهمیت می‌دهند و آن را به افراد بیشتری نشان می‌دهند. احتمالاً ایرانی‌ها بیشتر از مردم کشورهای دیگر از خنده و شوخی و جوک و ... خوششان می‌آید. افزایش فالوورهای این فرد علی‌رغم کمپین‌های منفی، نشان‌دهنده پیچیدگی دینامیک شبکه‌های اجتماعی و تأثیر عوامل روانشناختی و الگوریتمی است. این یک چالش بزرگ برای سواد رسانه‌ای و اخلاق در فضای مجازی است و نشان می‌دهد که مقابله با محتوای مخرب صرفاً با تحریم کردن، همیشه به نتیجه مطلوب نمی‌رسد و نیاز به راهکارهای عمیق‌تر و جامع‌تر دارد.

## تاکستان پدر بزرگ (قسمت ششم)



یوسف مهدیان  
پژوهشگر و مدرس دانشگاه

زن خوب بیوه همیشه، انگور خوب فوژمه همیشه.  
گر صبر کنی ز غوره حلوا سازم.  
قرارمان فصل انگور شراب که شدم بیا.  
یک مویز و چهل قلندر.  
انگور میوه بهشتی است.

تاک ها را آب داده پشت را چون چفته های مو، دو تا کرده، دل هر دانه را از اشک چشمان نور بخشیده تن هر خوشه را با خون دل شاداب پرورده چه می گویند؟  
کجا شهد است این آبی که در هر دانه شیرین انگور است؟  
کجا شهد است؟ این خون است، خون باغبان پیر رنجور است چنین آسان مگیریدش، چنین آسان منوشیدش...

خاطرات تاکستان: یک روز که در باغ (تاکستان) مشغول درو کردن علف برای دامها بودم، متوجه شدم که بر روی درخت سیب یک آشیانه گنجشک وجود دارد، نزدیکتر که رفتم دیدم داخل آشیانه یه جوجه گنجشک هم هست. فوری فکری به ذهنم خطور کرد: چطور است که پای جوجه گنجشک را با نخ به شاخه درخت ببندم تا زمانی که جوجه بزرگ شد بیایم و آن را برای خودم بردارم. پای حیوان زبان بسته را با نخ به شاخه بستم و رفتم دنبال کار و زندگی خودم، بعد از گذشت دو یا سه ماه که موضوع را کاملاً فراموش کرده بودم، روزی وارد باغ شدم یکباره به یاد آشیانه گنجشک افتادم، رفتم سراغ آشیانه دیدم که جوجه گنجشک از مادرش بزرگتر شده اما چون پایش با نخ به شاخه بسته بود، در آشیانه باقی مانده بود و هنوز مادرش برای او غذا می آورد. این بار نخ را از پای بچه گنجشک باز کردم و دیدم که جوجه گنجشک تازه شروع کرد به بال زدن و تمرین پرواز!!  
دفن سیگار: در ایام نوجوانی روزی از خانه عمویم به پاکت سیگار برداشتم و راهی تاکستان پدر بزرگ شدم. در زیر یکی از تاک ها که سایه بان خوبی بود و پناهگاهی جالب، یک نخ سیگار را روشن کرده و دود کردم. دومین نخ را آتش زده و کشیدم، با تعجب بسیار زیاد دیدم که هیچ حسی ندارم- فکرمی کردم که سیگار کشیدن باید لذت بخش تر از این حرف ها باشد - سومین نخ را آتش زده و دود کردم. عه چرا هیچ حسی ندارد؟! بقیه سیگارها را له کردم و در همانجا به خاک سپردم. چاله هم کندم و واقعا به خاک سپردم. و تا امروز که ۵۵ سال از خدا عمر گرفته ام هنوز هم از سیگار بدم می آید و هرگز و هرگز این موجود را به رسمیت نمی شناسم. گاهی با خود می گویم: کشوری که تولید سیگارش از شمارگان (تیراژ) همه کتاب هایش بیشتر است بدون شک جهان سومی است!!  
و این داستان ادامه دارد.....

انگور خوب نصیب شغال می شود.  
با یه کشمش گرمش همیشه با یه غوره سردیش  
کشمش هم دم داره.  
سرکه هفت ساله.  
سرکه مفت شیرین تر از عسل است.  
سرکه نقد به از حلوا نسیه.  
هنوز نگفتی کیش، کشمشش می ریزه.  
غوره نشده مویز شد.  
آب غوره گرفتن، کنایه از اشک ریختن.  
از باغ به این بزرگی غوره نصیب ما شد....  
باغت آباد انگوری  
نان انگور و این همه جنجال  
عسل در باغ هست و غوره هم هست ...  
انگور به انگور نگاه می کنه می رسه (رنگ می گیره)،  
همسایه به همسایه نگاه می کنه پند می گیره. ضرب المثل تاتی در ناحیه قزوین.  
خم می و شراب شیراز ..... و مثل هایی از این دست که نشانه رسوخ و رسوب این میوه بهشتی در فرهنگ و باورهای مردم این ناحیه بویژه باغداران است.  
شعر زیبای انگور از عبدالحسین انصاری:

انداخته شیرینی تو شور به انگور چندی است که باغت شده محصور به انگور  
لب های ترک خورده من روی لب تو چسبید همانگونه که زنبور به انگور  
طی می کند این مرحله را یک شبه تا می چشم تو بیفتد اگر از دور به انگور  
این رنگ که از چشم تو سررفته چه رنگی است انگار که تابیده سحر نور به انگور  
یک دانه هوس کرده ام ای باغ تو آباد معتاد شدم جان تو بدجور به انگور  
در حسرت یک خوشه دلم لک زده اما رد می شوم از باغ تو انگور به انگور  
شعر ماندگار انگور از نادر نادر پور:  
چه می گویند؟  
کجا شهد است این آبی که در هر دانه شیرین انگور است؟  
کجا شهد است؟ این اشک است،  
اشک باغبان پیر رنجور است:  
که شب ها راه پیموده،  
همه شب تا سحر بیدار بوده،



## آغاز رقابت‌های هیجان‌انگیز «بازی‌نت»؛ دانش سلامت را به چالش بکشید



رقیه بقایی

خبرنگار

مسابقه‌ی رادیویی «بازی‌نت» از ۱۷ خرداد، به صورت زنده در شبکه رادیویی سلامت آغاز تا دستداران دانش سلامت را به چالش بکشد. «مرتضی میلانی»، تهیه‌کننده برنامه «بازی‌نت»، با بیان اینکه این مسابقه از امروز آغاز می‌شود، گفت: هدف اصلی بازی‌نت

ارتقای سطح آگاهی عمومی درباره‌ی سلامت و تقویت فرهنگ پیشگیری به جای درمان است. او در ادامه توضیح داد: این برنامه در قالب یک مسابقه‌ی زنده، فضایی رقابتی و سرگرم‌کننده را برای مخاطبان ایجاد می‌کند و با طرح پرسش‌های چالش‌برانگیز، آنان را به یادگیری مفاهیم علمی و کاربردی سلامت تشویق می‌کند. بازی‌نت شامل سوالاتی در حوزه‌های مختلف سلامت، تغذیه، ورزش، پلیس، پارک و اطلاعات عمومی است و شرکت‌کنندگان با پاسخگویی به این پرسش‌ها، امتیاز کسب می‌کنند. در پایان هر بخش، فردی که بیشترین امتیاز را داشته باشد، برنده‌ی مرحله خواهد بود. میلانی تأکید کرد: این برنامه نه تنها فرصتی برای افزایش اطلاعات فردی است، بلکه ارتباطات اجتماعی را تقویت کرده و حس رقابت سالم را در جامعه ایجاد می‌کند. وی در پایان با بیان اینکه گویندگان این مسابقه «محمد مطلب» و «امین ضیایی» هستند و «رقیه بقایی» نیز وظیفه‌ی هماهنگی برنامه را بر عهده دارد، اظهار کرد: «بازی‌نت» با استفاده از ظرفیت رسانه‌ی رادیو، فرصتی مناسب برای جذب مخاطبان گسترده فراهم کرده و تأثیر مثبتی بر سبک زندگی آنان می‌گذارد. مسابقه‌ی رادیویی «بازی‌نت» شنبه تا چهارشنبه هر هفته، ساعت ۱۸ و ۳۰ دقیقه الی ۱۹ از شبکه رادیویی سلامت پخش می‌شود و شنوندگان برای شرکت در مسابقه باید در هنگام پخش برنامه به آدرس <https://radiosalamat.ir/radiobazi/#/singn> مراجعه کنند.

## بیماری‌هایی که نفس را به چالش می‌کشند

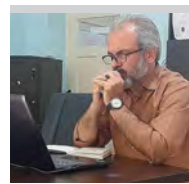


عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی ایران گفت: مصرف دخانیات، به‌ویژه سیگار، مهم‌ترین عامل ابتلا به بسیاری از این بیماری‌ها، از جمله سرطان ریه، است. علاوه بر آن، آلودگی هوا نیز نقش مهمی در بروز بیماری‌های ریوی دارد، زیرا هوای استنشاقی مستقیماً بر سلامت این اندام تأثیر می‌گذارد. دکتر محسن فرخ‌پور، فوق‌تخصص ریه و عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی ایران در گفتگو با برنامه «اینجا طبیب» رادیو سلامت با بیان اینکه بیماری‌های ریه به چهار دسته اصلی تقسیم می‌شوند، افزود: اولین دسته، بیماری‌های راه‌های هوایی مانند آسم و برونشیت مزمن است که بسیاری از افراد با آن آشنا هستند. دسته دوم، بیماری‌های بافت ریه همچون فیبروز ریه و عفونت‌های ریوی را شامل می‌شود. وی افزود: سومین گروه، بیماری‌های پرده اطراف ریه است که در مواردی منجر به تجمع مایع در اطراف ریه می‌شود، پدیده‌ای که به‌طور عمومی به «آب آوردن ریه» معروف است. دسته آخر، سرطان‌های ریه هستند که در میان مردان شایع‌ترین نوع سرطان محسوب می‌شود و همچنین یکی از سرطان‌هایی است که بالاترین میزان مرگ‌ومیر را به خود اختصاص داده است. فرخ‌پور با بیان اینکه عوامل مختلفی در بروز بیماری‌های ریوی نقش دارند، ادامه داد: اما مصرف دخانیات، به‌ویژه سیگار، عامل اصلی بروز بسیاری از این بیماری‌ها از جمله سرطان ریه است. آلودگی هوا نیز تأثیر بسزایی بر سلامت ریه دارد، چرا که هوای استنشاقی نقش تعیین‌کننده‌ای در سلامت این اندام ایفا می‌کند. وی درباره سرطان ریه گفت: این بیماری دارای زمینه ژنتیکی ثابت شده‌ای است، به طوری که برخی تغییرات ژنی می‌توانند فرد را مستعد ابتلا به سرطان ریه کنند. این فوق‌تخصص ریه با تأکید بر اینکه موفقیت درمان سرطان ریه به مرحله‌ای که بیماری در آن تشخیص داده می‌شود بستگی دارد، افزود: در مراحل اولیه، درمان می‌تواند بسیار مؤثر و امیدبخش باشد، اما در مراحل پیشرفته‌تر، میزان اثرگذاری درمان‌ها کاهش می‌یابد. وی در خصوص تفاوت دردهای قلبی و ریوی بیان کرد: قلب و ریه دو ارگان مهم در ناحیه قفسه سینه هستند که می‌توانند درد ایجاد کنند. دردهای قلبی معمولاً در سمت چپ قفسه سینه ظاهر شده و با فعالیت تشدید می‌شوند. در برخی موارد، این درد به دست چپ انتشار پیدا می‌کند. عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی ایران در پایان اظهار کرد: از سوی دیگر، دردهای ناشی از بیماری‌های ریوی معمولاً با نفس کشیدن و سرفه افزایش می‌یابند و گاهی با تغییر وضعیت بدن، شدت آنها تغییر می‌کند.



# زخم های روانی یک جنایت

(به بهانه قتل تلخ مرحومه الهه حسین نژاد)



بیژن همدرسی

گرفت؛ پیامی که نشان می‌دهد حتی در دل سیاهی، امکان امید هست.

از نگاه روان‌شناختی، این قتل نماد وضعیت خطرناک ذهن‌هایی است که بدون کنترل هیجان، در لحظه تصادفی می‌سازند. فرد قاتل، با حس ترس و تکانه لحظه‌ای چاقو به دست می‌گیرد؛ واکنشی که در آزمایش‌های شناختی معمولاً در سنین نوجوانی و اوایل بزرگسالی قابل مهار است. نبود مهارت تنظیم هیجان، فقر هویت اجتماعی و فقدان معنایی که فرد را از قتل بازدارد، از ریشه‌های مهم این واکنش است.

برای جامعه‌شناسان، این ماجرا محک است: آیا جامعه‌ای که امنیتش وابسته به حضور پلیس باشد، قادر است احساس امنیت روانی عمیق ایجاد کند؟ وقتی افراد در خیابان نفس جهنمی می‌کشند، نشانه ساختار ناکافی کشورداری اجتماعی است. لذا نتیجه‌گیری ضروری است: امنیت واقعی با حضور مأمور پلیس حاصل نمی‌شود؛ بلکه نیازمند بازسازی اعتماد متقابل اجتماعی است؛ اعتماد خانواده‌ها به آموزش روانی مدرسه‌ها، به عدالتی که قربانی را یاری می‌دهد، به رسانه‌ای که بازتابگر ظلم نیست، به فرهنگی که انسان را ابزار نمی‌داند. در پایان، الهه حسین‌زاده نه تنها نامی در اخبار، که نشانه‌ای است از زخم‌هایی عمیقتر از هر ضربه فیزیکی؛ زخم ناامنی روانی، فقدان آموزش زندگی، و ناتوانی ساختارها در فراهم کردن کرامت انسانی. ترمیم این زخم، نیازمند کارکردهای مشترک روان‌شناسی عمومی، جامعه‌شناسی، حقوق، آموزش و سیاست‌گذاری اجتماعی است. تا جامعه بتواند بگوید: دیگر نه پول، نه تهدید، و نه ترس، قادر نیست انسانی را به سوی جنایت سوق دهد.

تعمیق شده نابرابری بود. اگرچه قاتل مدعی است هدفش فقط سرقت بوده، «شائبه‌ی» قصد تعرض، حتی در فکر لحظه‌ای، نباید کنار گذاشته شود؛ چرا که این تردید، نشان‌دهنده نیاز عمیق جامعه به آموزش حد و مرزهای ارتباطی و کنترل اعتماد جنسی در رفتارهاست.

در این خلاء، فردی که از دید جامعه ناکام و مهجور به نظر می‌رسد، با رویارویی با مقاومتی انسانی، قادر نیست منطق یا فرهنگ روابط را بپذیرد. بی‌تردید، فقدان آموزش اجتماعی و جامعه‌ای که اغلب به مولفه‌های مادی بها می‌دهد، امکان شکل‌گیری چنین عملکردهای هیجانی را تربیتی و روان‌شناختی ناکارآمد، افراد را بدون کنترل یا شناخت کافی هیجانی به خیابان و شرایط بحرانی می‌فرستند.

اما واکنش عمومی چگونه بود؟ وقتی خبر منتشر شد، خشم و همدردی‌ها هم‌زمان انفجار یافتند. بخش‌های قابل توجهی از جامعه پیامک و تصاویر دردناک قربانی را منتشر کردند، گویی با تجربه تکرارشونده خشونت، نه برای تحلیل، بلکه برای تفریح روانی، نیاز به مصرف محتوای خونین داشتند. این یکی از چهره‌های مخرب هیجانات عمومی است؛ هیجاناتی که نه فقط منفعلانه، بلکه فعالانه در بازتولید خشونت مشارکت می‌کنند. اما سوبیه مثبت این هیجانات نیز مشهود بود: هشتگ‌ها و موج‌های همدلی و مطالبه‌گری برای اصلاح قوانین و افزایش امنیت زنان شکل

در غروب چهارم خرداد ساعت ۱۹:۳۵، الهه حسین‌نژاد، دختر ۲۴ ساله اهل اسلامشهر، پس از ترک محل کارش در سعادت‌آباد، سوار خودروی عبوری در میدان آزادی تهران شد تا به منزل بازگردد. او در تماس کوتاه با خانواده اعلام کرد نزدیک میدان نماز اسلامشهر است، اما در این نقطه گوشی‌اش خاموش شد و خبری از او نرسید. چند روز بعد، پیکر بی‌جانش در بیابان‌های حوالی فرودگاه تهران کشف شد.

قاتل پس از دستگیری اعتراف کرد که وقتی متوجه موبایل گران‌قیمت الهه شد، وسوسه سرقت پیدا کرد. وقتی او در برابر دزدی مقاومت کرد و داد زد، قاتل وحشت‌زده با سه تا چهار ضربه چاقو قلب الهه را نشانه گرفت؛ رفتاری که قاتل ادعا می‌کند از ترس و هیجان لحظه‌ای شکل گرفته بود. سپس جسد را شبانه به بیابان منتقل و موبایل را فروخته بود.

این فاجعه در عین بیرون‌زدگی خشم و احساسات، باید تامل عمیق روان‌شناختی و اجتماعی را در پی داشته باشد. این حادثه تلخ، محصول گسست عاطفی و هنجاری است؛ جایی که ارزش انسان به کالاهای مادی تقلیل یافته. موبایلی که در دستان الهه بود، نه فقط وسیله ارتباط، بلکه نمادی از وضعیت تحقیرآمیز و

# بازدیدهای سرزده استاندار گلستان الگویی مناسب برای مدیریت اجرایی کشور

## یادداشتی از عبدالرسول جوادی بالاجاده

جامعه مشهود و محسوس باشد نیاز دارد)). فرمانداران و بخشداران از روستاها و محلات شهری بازدید و کف جامعه را درک و مشکلات را بواقع کلام نه خوشایندی مدیران مافوق گزارش و اقدامات عملی در رفع مشکلات بعمل آورند. \* این فرایند مطالبه گری در سطوح شهرستانی و بخشداری ها هم اجرایی شود.

۵. بازدیدها به واقعیت سرزده باشد و فقط ادا و اطفار بازدیدهای سرزده نباشد.

۶. صدا و سیمای مرکز گلستان، رسانه ها و خبرگزاری ها می توانند با بازتاب درست و دقیق اخبار بازدیدهای سرزده مردم را به خدمات دولتمندان امیدوار و دادخواهی مردم جامعه را در سطوح بالاتر منعکس نمایند.

\* بخشی از اخبار استانی در صدا و سیما به بازدیدهای سرزده و دستاوردهای آن اختصاص پیدا کند.

\*\*\* تیم رسانه ای مطالبه گر واقعی بدون هیچ ملاحظه سیاسی و ارتباطی با دستگاه ها پیگیری مصوبات و موارد مورد تاکید و توصیه تشکیل و به استمرار از دستگاه ها خواهان و نتایج آنرا از جامعه پیگیری و منعکس نمایند.

۷. ارزیابی عملکرد مدیران کل دستگاه ها، فرمانداران و بخشداران با همین شاخص های: مردمی بودن و پیگیری ها و مطالبه گریهای مردمی» منظور شود.

انتظار است در دولت وفاق ارتباط حاکمیت با مردم مستحکم تر و مطالبه گری یک فرهنگ گسترش یافته و اقدامات جهادی چون بازدیدهای سرزده مسئولان در سطوح استانی و شهرستانی نهادینه و فرهنگی جهادی برای الگو سازی سایر استان ها و دستگاه ها ترویج و دستاورد های آن کام مردم غیور گلستان را شیرین سازد.

ناترازی مدیریتی در بخش های مختلف که ناشی از ناکارآمدی مدیریتی مدیران اجرایی استان در سطوح مختلف است موجب شد تا استاندار گلستان با همه دغدغه های کاری در بخش های تصمیم سازی ها، تصمیم گیریها، پیگیری مطالبات استانی از وزرا و روسای سازمان ها و مجلس شورای اسلامی و دولت ... عاملی برای نظارت بهینه در قالب بازدیدهای سرزده از دستگاه های اجرایی استان بزند و از نزدیک مشکلات موجود، ناترازی ها و ناکارآمدی ها و پاسخگویی به مراجعه کنندگان را شاهد و پیگیری امور مغفول مانده یا کم توجه شده از سوی مدیران دستگاه ها باشد.

بازدیدهای سرزده روزهای اخیر استاندار چند مزیت داشت؛

مهم آنکه؛ خواب راحت را از چشمان مدیران دستگاه های اجرایی استان گرفت و هر لحظه انتظار بازدید سرزده استاندار و تیم همراهش باشند.

تغییری در رفتارهای اجتماعی اداری در پاسخگویی و سنگ قلاب کردن مراجعه کنندگان داشته باشند.

و اینکه دستگاه را آماده باش کامل برای خدمات رسانی به مردم نگهدارند

در این راستا ضمن امتنان و سپاس از اقدام جهادی طهماسبی استاندار مردمی گلستان که در جهت اجرای تاکیدات مقام معظم رهبری برای مردمی بودن و با مردم بودن گامی عملی برداشته است.

نکاتی را در جهت تقویت و اثر بخشی بازدیدهای سرزده از دستگاه ها بیان می شود!

۱. گزارش های مدیران دستگاه های اجرایی استان از گذشته تا حال مبنای واقعی از واقعیت موجودی دستگاه ها ندارد و بیشتر از باب دلخوشی و خوشایندی مدیران ارشد استان و وزارت خانه ها و سازمان ها تهیه و ارائه که با واقعیت اجرایی آن فاصله بسیار دارد.

۲. این بازدیدها مبنایی برای راستی آزمایی گزارشات دستگاه ها با وضعیت موجود باید قرار گیرد.

۳. تیمی مطالبه گر پس از بازدیدهای سرزده استاندار تشکیل و موارد مورد بررسی را با دقت نظر پیگیری و به استاندار محترم گزارش دهند.

چالش ها، ناکارآمدی ها و حتی اقدامات انجام شده بخوبی احصا و به مردم گزارش شود

۴. این بازدیدها الگویی برای فرمانداران و بخشداران و حتی مدیران کل دستگاه ها تبیین و برنامه ریزی شود ((کشور به مدیران پشت میز نشین نیاز ندارد به مدیرانی جهادی و مردمی که اثر حضورشان برای



بازدیدهای سرزده استاندار گلستان الگویی عملی برای مدیریت اجرایی کشور

به قلم عبدالرسول جوادی بالاجاده

# گفت‌وگو با مصطفی قربان‌نژاد معمارِ دیروز، دی‌جی امروز



مآئده حضرتی  
خبرنگار

مصطفی قربان‌نژاد متولد ۱۳۶۸ در رشته معماری تحصیل کرد و تا مقطع کارشناسی ادامه داد. پس از فارغ‌التحصیلی، وارد بازار کار شد و چند سالی در حوزه معماری مشغول بود. اما پس از مدتی متوجه شد که علاقه اصلی‌اش در جای دیگری است: در دنیای موسیقی، به‌ویژه موسیقی الکترونیک. با او به گفتگو نشسته ایم که میخوانید:

## چطور به سمت موسیقی آمدید؟

در دوران کاری‌ام، کم‌کم علاقه‌ای که در وجودم بود دوباره خودش را نشان داد. دیدن ویدیوهای مرتبط، گفتگو با اطرافیان و جستجو درباره موسیقی باعث شد جدی‌تر به این موضوع فکر کنم. به‌رغم محدودیت‌هایی که در کشورمان درباره موسیقی - مخصوصاً موسیقی الکترونیک - وجود دارد، تصمیم گرفتم مسیر علاقه‌ام را دنبال کنم. آن زمان اینترنت کند بود، منابع آموزشی محدود بود، و تجهیزات موسیقی خیلی کم و گران‌قیمت بودند. با این حال، به خودم گفتم: "آدم فقط یک‌بار زندگی می‌کنه، پس باید کاری رو انجام بده که عاشقشه."

## از چه زمانی موسیقی الکترونیک را آغاز کردید؟

از حدود سال‌های ۱۳۸۳ و ۱۳۸۴ با نرم‌افزارهایی مثل FL Studio آشنا شدم و به‌صورت محدود و پاره‌وقت کار می‌کردم. بعدتر، در دوران دانشگاه - که ورودی سال ۱۳۸۷ بودم - متوجه شدم خیلی از هم‌سن و سال‌هایم هم به موسیقی الکترونیک، میکس و دی‌جی علاقه دارند. همین باعث شد جدی‌تر وارد این فضا شوم و شروع به جمع‌آوری پلی‌لیست‌هایی با آهنگ‌های روز و هیت کردم.

## چطور استقبال اطرافیان باعث شد مسیرتان را ادامه دهید؟

در دوره‌های و جمع‌های دوستانه، آهنگ‌هایی را که انتخاب کرده بودم پخش می‌کردم و بازخوردها خیلی خوب بود. بچه‌ها از انتخاب موزیک‌ها خوش‌شان می‌آمد و این تشویق، انگیزه بزرگی برای من شد. به همین دلیل تصمیم گرفتم کار را جدی‌تر پیگیری کنم. در سال ۱۳۹۰ اولین سخت‌افزار حرفه‌ای‌ام را تهیه کردم و از آنجا به‌طور رسمی وارد عرصه میکس و دی‌جی شدم.

## آیا اجرای موسیقی الکترونیک در ایران همچنان با محدودیت‌هایی همراه است؟

بله، واقعیت این است که هنوز هم فعالیت در حوزه موسیقی الکترونیک در ایران با ریسک بالایی همراه است. حتی در یک مراسم خصوصی مانند جشن نامزدی، اگر شخصی به‌عنوان دی‌جی بخواند اجرا کند و یکی از شرکت‌کنندگان یا همسایه‌ها شاکی خصوصی باشد، ممکن است پلیس وارد عمل شود، تجهیزات را ضبط کند و اجرای برنامه متوقف شود. ما در کشورمان هنوز چارچوب مشخصی برای این حرفه نداریم؛ هیچ نهاد رسمی مدرکی تحت عنوان «دی‌جی حرفه‌ای» یا «مجوز رسمی اجرا» صادر نمی‌کند. این در حالی است که بسیاری از دوستان من که در این حوزه حتی از من شناخته‌شده‌تر هستند، همین تجربه‌ها را بارها داشته‌اند. امروز اگر تصمیم بگیریم اجرای زنده‌ای داشته باشیم، همیشه این احتمال وجود دارد که در میانه کار، با دخالت پلیس روبه‌رو شویم. این وضعیت، ریسک این کار را بالایی‌تر و برای خیلی‌ها بازدارنده شده است. در گذشته شرایط به‌مراتب سخت‌تر بود، به‌ویژه برای بانوانی که علاقمند به این حوزه بودند. خوشبختانه اکنون فضا کمی بازتر شده، ولی همچنان مشکلات ساختاری پابرجاست.

## تجربه شخصی شما از فعالیت در حوزه موسیقی الکترونیک در ایران چگونه بوده است؟

واقعیت این است که شرایط فعالیت در حوزه موسیقی الکترونیک در ایران همیشه پیچیده بوده و با چالش‌های خاص خودش همراه بوده است. به‌ویژه در سال‌های گذشته، برخوردها با پدیده‌هایی مانند مهمانی‌های خصوصی، مراسم مختلف و حتی رقص و موسیقی، بسیار حساس و سخت‌گیرانه بود. اگر در یک مهمانی، فردی به‌عنوان دی‌جی حضور داشت، آن مراسم می‌توانست به‌راحتی با مشکل قانونی مواجه شود. در آن سال‌ها، ما با علم به این ریسک‌ها وارد کار می‌شدیم؛ به این شکل که یا اجرا موفقیت‌آمیز خواهد بود و خوش می‌گذرد، یا ممکن است تمام تجهیزات ضبط و مراسم مختل شود. این نگاه پرریسک، بخشی از واقعیت کار ما بود. تا حدود سال ۱۳۹۲ این وضعیت ادامه داشت. متأسفانه، در

کشور ما بسیاری از مفاهیم تخصصی وقتی وارد می‌شوند، به نوعی دچار تغییر معنا می‌شوند یا به اصطلاح "ایرانیزه" می‌شوند. مثلاً واژه "دی جی" که در فرهنگ غربی معنای مشخص و تخصصی دارد، در ایران گاهی با کسی که صرفاً موسیقی را عوض می‌کند اشتباه گرفته می‌شود. در برخی مراسم عروسی و نامزدی، مخاطبان از دی جی انتظار داشتند قطعاتی مانند «باباکرم» پخش کند، در حالی که فضای موسیقی الکترونیک اصلاً چنین کارکردی ندارد. از طرفی، دیدم بسیاری از درخواست‌هایی که از من به عنوان دی جی در مراسم می‌شد، اصلاً با فضای کاری من هم خوانی نداشت. بنابراین تصمیم گرفتم تمرکز خود را از اجرای زنده به آموزش منتقل کنم؛ چرا که از کودکی علاقه مند به آموزش دادن بودم. از سال ۱۳۹۲ به بعد، وارد حوزه آموزش موسیقی الکترونیک شدم. سعی کردم مفاهیم تخصصی این حوزه را به زبان ساده و کاربردی به هنرجویان منتقل کنم؛ نه فقط نحوه استفاده از دستگاه‌ها، بلکه مفاهیمی مانند فرکانس، داینامیک صدا، طراحی صدا و ساختار موسیقی الکترونیک. هدفم این بود که هنرجویان از ابتدا با درک صحیح و فرهنگ واقعی این هنر آشنا شوند.

فراتر از پخش موسیقی است؛ یک هنر واقعی در کنترل انرژی و احساس جمعیت از طریق صداست.

## آیا تاکنون تجربه‌ای از همکاری رسمی با رسانه‌ها یا نهادهای فرهنگی داشته‌اید؟

بله، خوشبختانه پیشنهاد همکاری از سوی صدا و سیما داشتم. چند ترک را برایشان به عنوان تیتراژ برنامه‌های ورزشی تهیه کردم. یکی از این همکاری‌ها مربوط به دوستی بود که تدوین‌گر برنامه فوتبالی «۹۰» بود. من برای او ترک «آغاز شمالی» را در سبک موسیقی الکترونیک میکس کرده بودم و آن را همراه با آموزش روی یوتیوب منتشر کردم. بعد از انتشار آن ویدیو، تیم برنامه با من تماس گرفت و اظهار کردند که این کار بسیار زیبا و حرفه‌ای است و اگر اجازه بدهم، علاقه‌مندان همان ترک را برای تیتراژ مورد استفاده قرار دهند. این اتفاق برای من بسیار انگیزه‌بخش بود، چون نشان می‌داد دیدگاه نسبت به موسیقی الکترونیک در حال تغییر است.

## از دیدگاه شما، چقدر مردم در ایران نسبت به سال‌های گذشته، نسبت به موسیقی الکترونیک و اجرای دی جی دید بازتری پیدا کرده‌اند؟

در مقایسه با گذشته، شرایط بسیار بهتر شده است. مردم به تدریج به درک عمیق‌تری از موسیقی، به‌ویژه در حوزه اجراهای زنده و کیفیت کارها، دست پیدا کرده‌اند. به عنوان مثال، در یکی از کنسرت‌های اخیر شادمهر عقیلی در آمریکا، بسیاری از مخاطبان با اجرای پلی‌بک او ناراحت شدند. این اتفاق واکنش‌های منفی شدیدی را به همراه داشت تا جایی که شادمهر ناچار شد صحنه را ترک کند. چنین واکنش‌هایی نشان‌دهنده این است

که مردم دیگر اجرای زنده و اصالت موسیقی را جدی می‌گیرند. با این حال، باید اذعان کرد که در ایران، هنوز راه زیادی باقی مانده تا موسیقی، به‌ویژه سبک‌های نوین نظیر الکترونیک و اجرای دی جی، جایگاه واقعی خود را در جامعه فرهنگی پیدا کند. اما روند تغییر آغاز شده و امیدوارم با تلاش مداوم، فضای سالم‌تر و حرفه‌ای‌تری برای فعالان این عرصه فراهم شود.



## اگر بخواهیم واژه "دی جی" را به زبان فارسی معادل سازی کنیم، چه تعبیری به ذهن شما می‌رسد؟

اگر بخواهیم برای واژه "دی جی" (DJ) یک معادل فارسی در نظر بگیریم، شاید نزدیک‌ترین مفهوم «ادغام زنده موسیقی‌ها» یا «میکس زنده قطعات موسیقی» باشد. دی جی در واقع کسی است که موزیک‌های مختلف را به صورت زنده، با توجه به فضای مجلس، حس جمعیت، و ضرب‌آهنگ هر قطعه، به شکلی هماهنگ به یکدیگر متصل می‌کند. در گذشته، رسم بر این بود که در مراسم‌ها از خوانندگان دعوت می‌شد تا قطعاتی را از خوانندگان لس آنجلسی را اجرا کنند. اما مخاطب دوست دارد صدای اصلی این هنرمندان را بشنود، نه صدایی تقلیدی یا بازخوانی شده. اینجاست که دی جی‌ها وارد می‌شوند و با پخش نسخه اصلی آهنگ‌ها، تجربه واقعی‌تری را به مخاطب ارائه می‌دهند. نکته مهم دیگر این است که دی جی فقط یک پخش‌کننده آهنگ نیست. او با تسلطی که بر ریتم و فضای موسیقی دارد، در لحظه تصمیم می‌گیرد که کدام قطعه را با چه آهنگی جایگزین کند. به عنوان مثال، اگر آهنگ اول آبی فضای تکراری پیدا کند، دی جی به صورت زنده وارد عمل می‌شود و آن را با آهنگی مناسب از یک خواننده دیگر ترکیب یا جایگزین می‌کند؛ به‌گونه‌ای که شنونده این گذار را حس نکند و همچنان در فضای موسیقی غوطه‌ور باشد. به همین دلیل، «ادغام زنده قطعات موسیقی» می‌تواند بهترین توصیف برای کاری باشد که دی جی انجام می‌دهد. این مهارت، چیزی

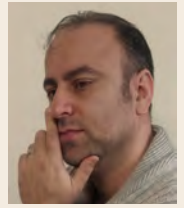
## بازدید معاون فرهنگی کمیته امداد کشور از روند مشاوره تحصیلی دانش‌آموزان تحت پوشش



حجه الاسلام و المسلمین متقی فر معاون فرهنگی کمیته امداد امام خمینی (ره) از روند ارائه خدمات مشاوره تحصیلی و آموزشی به دانش‌آموزان تحت حمایت این نهاد، که با همکاری مؤسسه آموزشی فرداد گستران راه دانش در حال اجراست، بازدید کرد. در جریان این بازدید، از فرآیند انتخاب رشته دانشگاهی بیش از ۵ هزار نفر از دانش‌آموزان تحت پوشش که موفق به کسب مجوز انتخاب رشته در دانشگاه فرهنگیان شده‌اند، رونمایی شد. این طرح با هدف ارتقاء سطح آگاهی تحصیلی و هدایت صحیح آموزشی دانش‌آموزان مستعد و توانمند اجرا شده و نقش مهمی در تحقق عدالت آموزشی و شناسایی استعدادها برتر در میان دانش‌آموزان تحت حمایت ایفا می‌کند.



## پیشگیری از اعتیاد یکی از چالش‌های مهم اجتماعی و بهداشتی است (قسمت دوم)



سعیدامانی

روانشناس

تشویق به فعالیت‌های مثبت: تشویق به شرکت در فعالیت‌های ورزشی، هنری و اجتماعی که به توسعه مهارت‌ها و اعتماد به نفس کمک می‌کند. این فعالیت‌ها می‌توانند به عنوان جایگزین‌های سالم برای رفتارهای اعتیادآور عمل کنند.

ج) حمایت اجتماعی: ایجاد شبکه‌های حمایتی: ایجاد گروه‌های حمایتی برای خانواده‌ها و افراد در معرض خطر اعتیاد. این گروه‌ها می‌توانند به تبادل تجربیات و ارائه حمایت عاطفی کمک کنند.

• حمایت از خانواده‌ها: ارائه مشاوره و حمایت به خانواده‌ها برای کمک به مدیریت مشکلات مرتبط با اعتیاد. این شامل آموزش والدین درباره نحوه شناسایی علائم اعتیاد و راه‌های حمایت از فرزندان است. ۵. نقش خانواده در پیشگیری از اعتیاد

خانواده‌ها نقش کلیدی در پیشگیری از اعتیاد دارند: الف) ایجاد محیط حمایتی: محیط امن: خانواده‌ها باید محیطی حمایت‌کننده و امن برای فرزندان خود فراهم کنند. این شامل ایجاد فضایی برای گفتگو و ابراز احساسات است.

• مدیریت استرس: آموزش والدین درباره نحوه مدیریت استرس و مشکلات خانوادگی می‌تواند به کاهش فشارها و تنش‌ها کمک کند. ب) گفتگو درباره خطرات: آموزش درباره خطرات: والدین باید درباره خطرات اعتیاد با فرزندان خود صحبت کنند و اطلاعات صحیحی را ارائه دهند. این گفتگوها باید به‌طور منظم و در سنین مناسب انجام شود.

• توجه به تغییرات رفتاری: والدین باید به تغییرات رفتاری و عاطفی فرزندان خود توجه کنند و در صورت لزوم اقدام کنند.

ج) مدل‌سازی رفتار: الگو بودن: والدین باید خود الگوهای مثبتی باشند و رفتارهای سالم را به فرزندان خود نشان دهند. این شامل نحوه مدیریت استرس، ارتباطات و انتخاب‌های سالم است.

۶. نقش جامعه و دولت: الف) سیاست‌گذاری: تدوین سیاست‌های پیشگیری: دولت‌ها باید سیاست‌های مؤثری برای پیشگیری از اعتیاد تدوین کنند که شامل برنامه‌های آموزشی و حمایتی باشد. این سیاست‌ها باید به‌گونه‌ای طراحی شوند که به نیازهای خاص جوامع مختلف پاسخ دهند.

• تأمین منابع مالی: تأمین منابع مالی برای برنامه‌های پیشگیری و درمان اعتیاد. این منابع می‌توانند به تأسیس مراکز مشاوره، درمان و آموزش کمک کنند.

ب) همکاری با سازمان‌های غیر دولتی: همکاری با سازمان‌های محلی: همکاری با سازمان‌های غیر دولتی و محلی برای اجرای برنامه‌های پیشگیری و درمان اعتیاد. این همکاری می‌تواند به تبادل اطلاعات و منابع کمک کند.

ج) نظارت و ارزیابی: نظارت بر برنامه‌ها: نظارت بر برنامه‌های پیشگیری و ارزیابی تأثیر آن‌ها بر جامعه. این ارزیابی‌ها می‌توانند به بهبود برنامه‌ها و سیاست‌ها کمک کنند و اطمینان حاصل کنند که منابع به‌طور مؤثر استفاده می‌شوند.

نتیجه‌گیری: پیشگیری از اعتیاد یک فرآیند چندجانبه است که نیازمند همکاری خانواده، جامعه و دولت است. با آموزش، حمایت اجتماعی و تقویت مهارت‌های اجتماعی، می‌توان از بروز اعتیاد جلوگیری کرد و کیفیت زندگی افراد را بهبود بخشید.

# معماری، ساختار، طرز کار و نسل‌های هوش مصنوعی گراک



میشم یزدان پناهی

عضو هیات علمی گروه کامپیوتر  
دانشگاه آزاد اسلامی شاهرود

در شماره ۲۰۸ در ۲۳ فروردین ماه ۱۴۰۴ در مورد هوش مصنوعی Grok محصول شرکت X-AI مطالبی بیان شد. با توجه به خبری که اخیراً در خصوص رفع تحریم برای دسترسی به این هوش مصنوعی منتشر شد تصمیم گرفتیم تا در این شماره، باز هم توضیحاتی در مورد این هوش مصنوعی و معماری آن و ساختار، طرز کار و تکامل نسل‌های گراک ارائه کنیم.

مقدمه: هوش مصنوعی گراک (Grok AI) توسط شرکت XAI توسعه یافته و با هدف ارائه پاسخ‌های هوشمندانه و کمک به کاربران در انجام وظایف مختلف طراحی شده است. این سیستم از فناوری‌های نوین هوش مصنوعی، به ویژه مدل‌های زبانی بزرگ، بهره می‌برد تا تعاملی طبیعی و موثر با کاربران برقرار کند. گراک با ساختار مدولار و توانایی یادگیری مداوم، ابزاری برای تعاملات هوشمندانه است. تکامل نسل‌های آن نشان‌دهنده پیشرفت در هوش مصنوعی است و امکان دارد در آینده نقش مهم‌تری در زندگی کاربران ایفا کند.

معماری گراک: معماری گراک بر پایه مدل‌های زبانی بزرگ (Large Language Models - LLMs) استوار است که با استفاده از حجم عظیمی از داده‌های متنی آموزش دیده‌اند. این مدل‌ها قادر به درک و تولید متون شبیه به انسان هستند و از طریق مواجهه با مجموعه داده‌های متنوع، الگوها، زمینه‌ها و روابط بین کلمات را می‌آموزند. این قابلیت به گراک امکان می‌دهد تا پاسخ‌های دقیق و مرتبط ارائه دهد و استدلال منطقی انجام دهد.

گراک همچنین از شبکه‌های عصبی پیچیده و الگوریتم‌های یادگیری ماشین استفاده می‌کند تا داده‌های ورودی را پردازش کرده و پاسخ‌های مناسب تولید کند. معماری این سیستم به گونه‌ای طراحی شده که از تعاملات با کاربران به طور مداوم یاد می‌گیرد و عملکرد خود را بهبود می‌بخشد.

ساختار گراک: ساختار گراک از اجزای کلیدی زیر تشکیل شده است که هر یک نقش مهمی در عملکرد سیستم دارند:

۱. مدل زبانی (Language Model): این بخش وظیفه درک و تولید متن را بر عهده دارد. با استفاده از تکنیک‌های پردازش زبان طبیعی (NLP)، مدل زبانی ورودی‌ها را تحلیل کرده و پاسخ‌هایی طبیعی و منسجم تولید می‌کند.

۲. موتور استدلال (Reasoning Engine): این جزء امکان استدلال منطقی و تصمیم‌گیری بر اساس اطلاعات موجود را فراهم می‌کند. موتور استدلال با بهره‌گیری از الگوریتم‌های پیشرفته، روابط پیچیده را درک کرده و پاسخ‌هایی دقیق ارائه می‌دهد.

۳. پایگاه دانش (Knowledge Base): شامل مجموعه‌ای عظیم از اطلاعات به روز است که به گراک اجازه می‌دهد پاسخ‌های قابل اعتماد ارائه دهد. این پایگاه به طور مداوم به روزرسانی می‌شود. ۴. سیستم مدیریت گفتگو (Dialogue Management System): این بخش جریان گفتگو را مدیریت کرده و زمینه را در طول تعاملات حفظ می‌کند تا مکالمات طبیعی و منسجم باقی بمانند.

۵. واسط کاربری (User Interface): گراک از طریق واسط متنی یا صوتی با کاربران تعامل می‌کند و تجربه‌ای ساده و کارآمد فراهم می‌آورد.

این اجزا به طور هماهنگ عمل می‌کنند تا گراک پاسخ‌هایی یکپارچه و مفید ارائه دهد.

طرز کار گراک: مراحل عملکرد گراک عبارتند از:

۱. دریافت ورودی کاربر: کاربر سوال یا درخواستی را از طریق واسط کاربری مطرح می‌کند.

۲. پردازش زبان طبیعی: مدل زبانی ورودی را تحلیل کرده و معنای آن را درک می‌کند.

۳. استدلال و تصمیم‌گیری: موتور استدلال با استفاده از پایگاه دانش، پاسخ مناسب را تولید می‌کند.

۴. تولید پاسخ: مدل زبانی پاسخ را به زبانی طبیعی و قابل فهم ارائه می‌دهد.

۵. ارائه پاسخ به کاربر: پاسخ از طریق واسط کاربری به کاربر منتقل می‌شود.

۶. یادگیری مداوم: گراک از بازخوردها یاد می‌گیرد و عملکرد خود را بهبود می‌بخشد.

نسخه‌های (نسل‌های) مختلف منتشر شده گراک

گراک-۱: نسخه اولیه، منتشر شده در نوامبر ۲۰۲۳، با قابلیت پاسخگویی به سوالات ساده با مدل زبانی پایه و پایگاه دانش محدود اما با محدودیت ضعف در درک زمینه‌های پیچیده گراک-۱.۵: منتشر شده در می ۲۰۲۴، مدل زبانی پیشرفته‌تر و پایگاه دانش گسترده‌تر با استدلال بهبود یافته و پنجره متنی گسترده‌تر و توانایی پاسخگویی به سوالات پیچیده‌تر

گراک-۲: معرفی شده در آگوست ۲۰۲۴، با افزودن قابلیت تولید تصویر. موتور استدلال پیشرفته و سیستم مدیریت گفتگوی بهبود یافته با قابلیت‌های جدیدی مثل یادگیری در زمان واقعی و پاسخ‌های شخصی‌سازی شده

گراک-۳: جدیدترین مدل، رونمایی شده در فوریه ۲۰۲۵، با پیشرفت‌های چشمگیر در استدلال، سرعت و ویژگی‌های جدیدی مانند DeepSearch و Think Mode.



## صبح بیداری!



جبار آذین  
مدرس و منتقد سینما و تلویزیون



دارد، ولی ساخته‌های او در کل، جزو تولیدات خوب سینما و سینما محسوب می‌شوند. صبح اعدام او با کار بیشتر در زمینه‌های پژوهش، تصویرسازی مقبول تر از قهرمانان فیلم و اوضاع اجتماعی و سیاسی زمانه دستگیری و اعدام آن‌ها و غلظت بخشیدن به مسئله توبه، طیب حاج‌رضایی و اسماعیل رضایی را که با عنایت

الهی به بزرگراه نور و روشنایی پای گذاردند، می‌توانست مطلوب‌تر به تصویر کشد و نمایشگر زندگی و تلاش و مجاهدات توابان خدا جو و حق طلب و خرابین ریاحی‌های معاصر باشد.

صبح اعدام در مضمون و محتوا و ساختار هنری و سینمایی و فضا سازی و شخصیت‌پردازی و داستان‌سازی، هر چند خالی از نوآوری نیست، اما می‌شد، قوی‌تر و جذاب‌تر باشد و در کنار و ردیف آثار ماندگار سینمای تاریخی و اجتماعی ایران قرار گیرد.

صبح اعدام، به‌رغم خوبی‌هایش از ساخته‌های پیشین کارگردان آن برتر نیست و در چهل و دومین جشنواره فیلم فجر فیلم‌های بهتر و خوش ساخت‌تری از فیلم افخمی وجود داشت. صبح اعدام، یک فیلم درجه دو و متوسط است که در سینمای امروز ایران با توجه به گرایش و علاقه مخاطبان به فیلم‌های کم‌دی، گیشه نخواهد داشت. شاید در نمایش از تلویزیون مخاطب بیشتری داشته باشد.

کلام آخر: افخمی بیشتر و در سال‌های دور در عرصه سینمای قصه‌گو موفق بوده است، ولی تولیدات جدید او مانند رعد و برق در تلویزیون و صبح اعدام در سینما، گرچه نشان از نوگویی و نوپردازی دارند، که خوشایند است، لیکن سبب دوری او و مخاطب سینما و سینما از آثار او می‌شوند.

شاید او هم مانند بعضی بگوید که، این روش و سلیقه من است و من برای آیندگان فیلم و سریال ساخته‌ام و بعدها خواهند فهمید! شاید هم این‌گونه باشد، اما او باید بداند که مخاطبان اصلی آثار هنری در سینما مردم هستند و آن‌ها با این قبیل آثار ارتباط برقرار نمی‌کنند و این امر می‌تواند پیامد شکست را به همراه آورد.

انسان گرچه اشرف مخلوقات، مسجود ملائک و جانشین خداوند بر زمین است و یزدان به او موهبت‌هایی ارزانی فرموده که به دیگر آفریده‌های خود عطا نفرموده است، ولی با این همه او ممکن‌الخطا است و امکان ارتکاب خطا و گناه را دارد و ممکن است

بر اثر پیروی از هوای نفس و وسوسه شیاطین از مسیر حق، فاصله گیرد و مستحق و نیازمند تنبیه و هدایت گردد. خداوند برای چنین مواقع، یک راهکار هدایت‌بخش و الهی و تحول‌آفرین، امر فرموده که در ادیان الهی و دین مبین اسلام از آن با عنوان «توبه» یاد شده است و توبه به معنای بازگشت از گناه و انحراف و خطا، استغفار طلبیدن از خدا و پناه بردن به آغوش مهر و بخشش خداوند رحمان است. تاریخ زندگی بشر از توبه و بازگشت انسان‌های ره گم کرده به سوی خداوند پر است. در واقع توبه یک نوع انقلاب درونی برای تواب است که اثرات بیرونی هم دارد. مقوله دینی و الهی و انسانی توبه به معنای پشیمانی صرف از گناه نیست و باید با بازگشت کامل از سیاهی‌ها و بخشش حضرت حق و جبران مافات و کسب رضایت و حلالیت از مورد گناه واقع شده همراه و همسو باشد، توبه با چنین مفاهیم و آموزه‌های دینی، ارزشی و اعتقادی و ایمانی، می‌توانست مضمون محوری و اساسی داستان ملتهب فیلم صبح اعدام افخمی باشد، اما این‌گونه نیست و قهرمان‌های فیلم او به جای عنایت به توبه دینی، بیشتر مقهور حوادث و رخدادهای بیرونی و مقداری کلنجار درونی، تصویر شده‌اند.

به عبارتی طیب حاج‌رضایی و اسماعیل رضایی، با آنکه چهره‌ها و داستان‌هایی آشنا دارند، لیکن انقلاب و تحول آن‌ها در این فیلم سطحی بوده و تابع و متأثر شرایط و ساعات قبل از شهادت خود هستند. از آن سو هم نقش و سهم و ارتباط آن‌ها با واقعه و قیام پانزده خرداد هزار و سیصد و چهل و دو پر رنگ و غنی و قوی نیست. و...

با این حال، صبح اعدام به عنوان یک اثر تاریخی و اجتماعی شخصیت‌محور که سازندگان در حد توان خود کوشیده‌اند با تورق تاریخ، برگ‌های قابل توجه از تاریخ معاصر و انقلاب اسلامی را در سینما به تصویر کشند، قابل تامل است.

بهر روز افخمی با آن که در تلویزیون مجری‌گری را هم تجربه کرده و به جای اجرای خوب بیشتر حاشیه و جنجال‌سازی و دشمن‌تراشی نموده، با این حال به رغم اینکه، سال‌ها بود از سینما فاصله داشت، لیکن نسبت به کار تخصصی اجرا، فیلم‌ساز بهتری است. او هر چند در مقام کارگردان سینما و تلویزیون، در کارنامه هنری خود آثار ناموفق هم

## سینما، رها شده در بحران؟

درک است اینکه شاکله فیلم‌های مورد تایید این مدیریت را چه سبک و سیاقی تشکیل می‌دهد.

تمرکز بر فیلم‌های اجتماعی شعاری و در راستای پذیرش جشنواره‌های خارجی را نباید جزو رهیافت‌ها و راهبردهای معین در سیاست‌گذاری‌ها دانست چرا که این گزینه در عین اینکه یک فرصت است اما فی‌نفسه و در ذات خود جلو می‌رود، یعنی چون از سوی سازندگان این طرفی یک جور شیفتگی تاریخی وجود دارد و از سوی آن طرفی‌ها نیز براساس برنامه‌ریزی‌هایشان فیلم‌ها متقاضی می‌شوند، پس نه تنها نیازمند حمایت نیست که حتی در برخی برهه‌ها، بعضی فستیوال‌ها و... باید نسبت به نوع مراودات و مناسبات فی‌مابین حساس بود، اما آنچه تخصص، تدبیر، تعهد، تقید و عرق ملی می‌طلبد، همانا ریل‌گذاری کارشناسانه و جامعه‌شناختی در زمینه تولیدات به منظور مصرف داخلی است، رویکرد و راهبری‌ای که از همه شواهد چنین به نظر می‌رسد رها شده تا هر چه پیش آمده خوش آمد باشد.

خلاصه اینکه سینمای ایران ظرفیت بزرگ و باشکوهی است که می‌تواند با درام‌های خلاقانه‌اش بحران‌زدایی کند، امیدافزین باشد و با پرکردن اوقات فراغت خانواده‌ها، عملاً و تجربه شده ناهنجاری‌های مختلف را کاهش و محیط اجتماعی شاداب و سرشار از مهر و عطوفت و دوستی نماید.

این رها شدگی سینما در بحران را باید فکری کرد، خانواده‌ها انفعال، مرعوبیت و محافظه‌کاری کنونی را نمی‌بخشند و ایندگان از کنار این اجحاف به اسانی نخواهند گذشت.

اما حالا چند ماهی است که گیشه سینماها تق و لوق است، خصوصاً در یک ماه اخیر اوضاع خیلی خراب شده است. فیلم‌ها نمی‌فروشند. حتی کمدی‌ها در جا می‌زنند.

فیلم برگزیده جشنواره فیلم فجر، یعنی «صبح اعدام» با چند سیمرغ و تبلیغات پر حجم تلویزیونی در قعر جدول فروش جا خوش کرده است.

با کرسی نشینی مدیریت دولت فعلی، بدون هیچ برنامه روشنی و داشتن استراتژی کوتاه و دراز مدت سینمایی، حمله‌های تند و تیزی علیه کمدی‌هایی که حداقل چراغ سالن‌ها را روشن نگه داشته بودند، آغاز شد و تقریباً اغلب رسانه‌ها (بی توجه به نیاز مخاطبان) کمدی‌ها را مورد تاخت و تاز و بر حمایت از تولید و نمایش فیلم‌های اجتماعی کوبیدند، غافل از اینکه دارند بنای سینمای ایران را در هم می‌کوبند.

نتیجه اینکه فیلم‌های نازل اما مفرح برای بخش زیادی از تماشاگران را بی‌اعتبار کردند.

مسیر تولید این دسته آثار را مسدود و حمایت‌های معنوی از سازندگان آن‌ها را خدشه‌دار کردند. (چونکه این فیلم‌ها پیگیر حمایت مالی نبوده و نیستند و در بخش خصوصی تولید به اکران می‌رسند).

بی‌تردید فیلم‌های به اصطلاح کمدی نضح گرفته از منظر ارزشی و هنری قابل دفاع نیستند ولی حذف یا تضعیفشان بدون جایگزین درخور دفاع هم عین کم‌اندیشی و فقدان دوراندیشی بوده است.

آنچه در شرایط کنونی غیرقابل



محمد تقی فهیم  
منتقد سینما

دولت‌ها یکی پس از دیگری آمدند و رفتند و مدیران سینمایی، یکی بعد از دیگری جایگزین شدند، بدون اینکه برنامه‌ریزی مدبرانه‌ای برای حل بحران‌های نهادینه شده در سینمای ایران بکنند.

همواره مدیریت فرهنگی/سینمایی ایران به دلایل مختلفی از جمله عمر کوتاه صدارت خود، بیشتر از هر چیزی به امور روتین پرداختند تا در شرایط کم‌خطری دوره خود را بگذرانند.

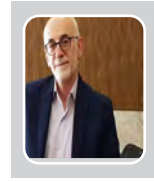
ریسک‌پذیری در این مدیریت‌ها کمتر شکل می‌گرفت و متقابلاً حیف و میل بودجه‌ها به حداکثر اشل خود می‌رسید. این مدیریت‌ها بدون توجه به اینکه مشکل و معضل سینمای ایران ساختاری و بحران جزو ذات آن شده است، همه هم و غم‌شان سپری کردن دوره مدیران مربوطه بوده است.

در واقع حالا بحران سینما خود تبدیل به ژانری دائمی شده است مگر در مقاطع کوتاه و دوره‌های نه چندان طولانی که سینما از دو منظر تماشاگر پسندی و شکل و ریخت هنری حرفی برای گفتن داشته است، در اعم تاریخ سینما، این بحران بوده که حکومت کرده است.

سال گذشته سینمای ایران از نظر تعداد تماشاگر و فروش بلیط روزهای راضی‌کننده‌ای را پشت سر گذاشته



## شمارش معکوس برای آغاز یک جشن



« سعید رجبی فروتن

دادن آدرس غلط، از پذیرفتن اشتباهات و ضعف‌های آشکار فیلم‌شان طفره روند. آرای داوران انجمن منتقدان نشان خواهد داد که آنچه که برای اعضای آن انجمن اهمیت دارد، سینمای ایران و ارزشهای فنی و زیبایی‌شناسانه آن است. انجمن با هیچ‌یک از فیلمسازان و دیگر عوامل فنی و هنری سینما پدرکشتگی ندارد و بدون حب و بغض بطور نسبی و در مقام مقایسه دست به انتخاب می‌زند. انجمن منتقدان در بین سایر تشکلهای صنفی شاید تنها نهادی باشد که در هیچ فیلمی ذینفع نیست و آرای بی‌طرفانه و فاقد سوگیری انجمن می‌تواند حاوی پیام‌ها و نکته‌های ذی‌قیمتی برای سینماگران کشور باشد.

پیامی که می‌تواند راه از چاه تمییز دهد و بطور توامان برای تماشاگران سینما و فیلمسازان بهره‌های آموزشی و معرفتی به ارمغان آورد.

البته واقع بینی حکم می‌کند که بپذیریم تعداد قابل توجهی از فیلم‌ها از فیلتر شوراهاى نظارتی دولت سیزدهم عبور کرده‌اند و متأسفانه بسیاری از آنها ناگزیر به کوتاه آمدن در برابر سلیق و دیدگاه‌های آن شوراها بوده‌اند که نیازی به وصف آن نیست!

با این حال در بین این تعداد فیلم به نمایش درآمده می‌توان آثار خوبی را جستجو کرد و خلاقیت عوامل آنها را ستود. سینمای ایران اگر چه از سیاست‌های دولت‌ها بی‌تأثیر نیست اما در عصر دیجیتال و سپهر مجازی راه خود را می‌رود و تلاش می‌کند در رقابت با سایر رسانه‌های دیداری مزیت‌های خود را افزایش دهد و تجربه شیرین تماشای جمعی فیلم در سالن‌های تاریک را به کام تماشاگران بچشاند.

آرای آکادمی جشن منتقدان نشان خواهد داد که فروش کم یا زیاد تنها عامل موفقیت یک فیلم نیست و ای بسا ارزش‌های پنهان تماتیک و استاتیک یک اثر در دراز مدت خود را نشان دهد و به مرور در حافظه سینمایی مردم و جامعه سینمایی جای خود را باز کند. نگاهی به کارنامه سینمای ایران قبل و پس از انقلاب نشان می‌دهد که فیلم‌هایی نظیر موج نو، مرعوب فیلم‌های جریان اصلی و سینمای تجاری نشدند و در ادامه این روند توسط پرچم چین سینمایی از سوی سینماگران دیگرانی در ژانرهای مختلف و روایت‌های دگرگونه برافراشته شد تا زبان و گرامر سینمای ایران از مسیر تکامل بازماند.

بعد از سه سال وقفه بزودی طی مراسمی برگزیدگان انجمن منتقدان و نویسندگان سینمایی معرفی خواهند شد تا آرای حدود یکصد منتقد سینمایی پس از ارزیابی کیفی بیش از ۵۰۰ فیلم سینمایی اعلام شود. این تعداد فیلم طی سالهای ۱۴۰۱ تا ۱۴۰۳

اکران شده‌اند و داوران به روش آکادمی، در پرسشنامه‌هایی که پیش از این در اختیار آنها قرار گرفته است، در رشته‌های مختلف اعلام شده (تقریباً همان عناوین جشنواره فیلم فجر) دست به انتخاب و گزینش بهترین‌ها زده‌اند.

پیش از این قرار بود نامزدهای جشن در اوایل خرداد معرفی شوند و آیین اصلی در نیمه خرداد برگزار شود.

با احتساب اینکه نامزدها در تاریخ مقرر معرفی نشدند، قاعدتاً جشن منتقدان نیز در روزهای پایانی خرداد برگزار خواهد شد. اما اهمیت جشن منتقدان در چیست؟ اگر به روال سه سال گذشته این جشن نبود، چه اتفاقی می‌افتاد آیا در روال تولید و نمایش فیلم‌های برفروش کم‌دی وقفه‌ای ایجاد می‌شد؟ آیا تأثیری در کم و کیف سبد محصولات سینمایی رخ می‌داد؟

حقیقتش را بخواهید انجمن منتقدان و نویسندگان سینمایی درست یا غلط در انتقاد از سیاست‌های انقباضی دولت گذشته آگاهانه فکر جشن را از سرش خارج کرد و منتظر ماند تا از پس ابرهای تیره، آفتاب روشنایی و امید بردمد. این اتفاق افتاد دولت دیگری با انتخاب مردم برسر کار آمد. انجمن منتقدان در جشنواره فیلم فجر خودی نشان داد و برای اعضایش تسهیلاتی را در نظر گرفت تا فیلم‌ها را ببینند و از آن مهمتر هیات مدیره انجمن از بین اعضا داورانی را برگزید تا نسبت به انتخاب بهترین فیلم‌های جشنواره اقدام کنند. انجمن در ادامه وعده برگزاری دوباره جشن سینمایی را داد و تمهیدات اجرایی آن را آغاز کرد.

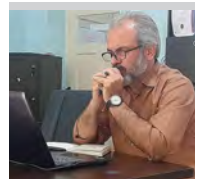
جشن منتقدان و انتخاب آثار و عناوین برگزیده در آن، به روش اسکار انجام می‌شود و بیش از یکصد عضو داوطلب فرم‌های ارسالی را تکمیل کرده‌اند.

خوبی این روش آن است که برخلاف دوره کوتاه ایام جشنواره‌های سینمایی، داوران فرصت دارند تا با فاصله گرفتن از فضای احساسی و بدور از استرس و تنگی وقت، تصمیم خود را بگیرند و به مقایسه هنرنمایی و کیفیت کار هنرمندان در رشته‌های گوناگون بپردازند.

در سه سال گذشته بسیاری از منتقدان در باره فیلم‌های مورد علاقه خود به اظهار نظر مکتوب و یا شفاهی مبادرت کرده‌اند اما آنچه ارزیابی نهایی را جذاب می‌کند، معدل آرا و نظرات منتقدان در باره فیلم‌هاست. در سینمای ایران کم نیستند کارگردانانی که نقد را برنمی‌تابند و در هر فرصتی که دست دهد با طعنه و کنایه جماعت منتقدین را می‌نوازند تا با



## مستند تفسیری / مستند شاعرانه؛ از بازگویی حقیقت تا پرسه در احساس



بیژن همدرسی

در گستره‌ی متنوع سینمای مستند، گونه‌هایی هستند که به جای مشاهده خام یا مشارکت مستقیم، به بازسازی واقعیت از خلال گفتار، تصویرسازی یا زبان استعاری می‌پردازند. دو نمونه‌ی برجسته از این رویکرد، مستند تفسیری و مستند شاعرانه هستند؛ دو گونه که در نگاه اول متضاد به نظر می‌رسند، اما در واقع هر دو تلاشی برای بازنمایی واقعیت با ابزارهایی فراتر از ثبت صرف رخدادها هستند.

مستند تفسیری؛ صدای دانای کل «مستند تفسیری (Expository Documentary)»: از نخستین گونه‌های مستندسازی به‌شمار می‌آید. شاخص‌ترین ویژگی آن، حضور پررنگ راوی خارج از کادر (Narrator) است؛ کسی که با لحن قاطع، اطلاعات، تحلیل‌ها یا پیام‌هایی را مستقیماً به مخاطب منتقل می‌کند. در این نوع مستند، گفتار متن (Voice-over) نقش اصلی را دارد و تصاویر صرفاً نقش تأییدکننده یا مکمل را ایفا می‌کنند. هدف اصلی این گونه، اقناع مخاطب از طریق استدلال، تحلیل و روایت یک‌سویه است.

در سطح جهانی، مستندهایی نظیر The Civil War ساخته‌ی کن برنز (Ken Burns) نمونه‌ای شاخص از مستند تفسیری است. یا آثار اولیه‌ی جان گریرسن که این سبک را در بریتانیا رایج کرد. مستندهای تبلیغاتی دوران جنگ جهانی دوم نیز، مانند فیلم‌های لینن رایفنشتال، اغلب در این سبک ساخته شده‌اند.

در ایران، مستندهای بسیاری به سبک تفسیری ساخته شده‌اند؛ از جمله: «از تهران تا قاهره» ساخته منوچهر محمدی؛ مستندی با ساختار کاملاً تفسیری که روایت سیاسی خاصی را دنبال می‌کند. در این فیلم، صدای راوی با قطعیت روایت را هدایت می‌کند و مخاطب را در مسیری مشخص پیش می‌برد.

یا مجموعه‌های تاریخی مانند «تمدن ایران باستان» و مستندهای تلویزیونی درباره جنگ، که راوی از بیرون بالحن حماسی یا تحلیلی داستان را تعریف می‌کند.

نکته مهم در مستند تفسیری، قدرت کنترل روایت است؛ فیلمساز در نقش راوی برتر، زاویه دید را انتخاب کرده و برداشت خاص خود را با قطعیت به مخاطب عرضه می‌کند. این روش برای تحلیل تاریخی، مستندهای سیاسی، یا پرتره‌های آموزشی بسیار مؤثر است، اما گاه به یک‌سویه‌نگری و حذف صداها یا دیگر منجر می‌شود.

«مستند شاعرانه»؛ آوازی برای دیدن با دل

در نقطه مقابل ساختار خطی و عقل‌گرای مستند تفسیری، مستند شاعرانه (Poetic Documentary) قرار دارد. در این گونه، روایت خطی کنار گذاشته می‌شود و به جای آن، تصویر، صدا، ریتم و حس، ساختار فیلم را می‌سازند. مستند شاعرانه سعی نمی‌کند توضیح دهد یا اقناع کند، بلکه می‌خواهد احساس برانگیزد؛ مثل یک شعر تصویری.

فیلم‌های این دسته معمولاً فاقد گفتار متن یا دیالوگ سنتی‌اند، ترتیب زمانی مشخصی ندارند و اغلب در آن‌ها از مونتاز خلاقانه، موسیقی مینیمال، و تصویرهای استعاری استفاده می‌شود. در سطح جهانی، آثار سینمایی ژیگا ورتوف (Dziga Vertov) به‌ویژه فیلم «مردی با دوربین فیلم برداری» (Man with a Movie Camera) از نمونه‌های

پیشگام این سبک محسوب می‌شود. همچنین آثار برخی مستندسازان تجربی معاصر مانند کریس مارکر و جوناتان کائوت را می‌توان در این دسته قرار داد.

در ایران، نمونه‌هایی از مستند شاعرانه در آثار هنرمندان مستقل یا تجربی دیده می‌شود، هرچند این سبک در جریان اصلی کمتر دیده شده است. از نمونه‌های قابل اشاره: «پیرمرد و دریا» به کارگردانی آرمین ایثاریان؛ مستندی کوتاه، بدون گفتار، که با تصویر و ریتم، تنهایی و زیست یک صیاد سالخورده را روایت می‌کند. «حیات وحش در ایران» برخی قسمت‌های آن با استفاده از موسیقی و تصویرهای بدون گفتار، به شکلی شاعرانه رابطه طبیعت و جانور را بازنمایی می‌کند.

همچنین برخی از مستندهای عرفانی یا طبیعت‌محور تلویزیونی (مانند آثار زنده‌یاد «فریدون تنکابنی» یا «محمدعلی فارسی») نیز گاه به سمت زبان شاعرانه میل کرده‌اند، به‌ویژه در استفاده از شعر کلاسیک، تصاویر آهسته، و صدای شاعرانه راوی.

«تقابل یا تکمیل؟ دو رویکرد، دو جهان»

در نگاه اول، مستند تفسیری و مستند شاعرانه در دو سوی طیف به‌نظر می‌رسند؛ یکی عقلانی و قاطع، دیگری حسی و آزاد. اما این دو می‌توانند مکمل هم نیز باشند. بسیاری از مستندهای مدرن تلاش کرده‌اند این دو شیوه را تلفیق کنند؛ بیان تحلیلی را در قالبی شاعرانه ارائه دهند یا بالعکس، حس برانگیزی را با اطلاعات مستند همراه کنند.

در نهایت، چه صدای محکم دانای کل باشد، چه نغمه‌ای شاعرانه در دل تصاویر، مستند هنوز و همیشه در پی «تماشای جهان» است؛ اما این بار نه فقط با چشم، بلکه با ذهن و دل.



## اگر نوشم نئی نیشم چرایی



سعيد رجبي فروتن

از تهدید برنداشتند و با اعلام اینکه سریال سووشون مجوز ساخت و نمایش نداشته است، خبر از پیگیری حقوقی علیه وی کرد.

مدیران جوان و کم تجربه ساترا در امر نظارت بر فعالیت‌های بخش خصوصی، هنوز نیاموخته‌اند که بردباری و سعه صدر و برخورد طیبانه جزئی از منش و رفتار مدیران فرهنگی در مواجهه با هنرمندان است و همان که پای مرجع قضایی را به یک امر داخلی باز کرده‌اند، کافیهست و دیگر نباید با زبان تهدید نمک بر زخم ناسور سازندگان سریال، مدیران سکوی نماوا و میلیون‌ها مخاطب سریال بریزند.

برخلاف موضعگیری مدیران ساترا مرجع قضایی درگیر با موضوع تاکنون توضیحاتی در باره این رویداد نداده است و به انتشار خبری که عصر جمعه نهم خرداد ماه بر روی خروجی خبرگزاری میزان قرار گرفت، اکتفا کرده است.

در این میان پرداختن به تناقضات گفتاری ساترایی‌ها هم علاج واقعه نیست و جز تاسف حاصل دیگری دربر ندارد. به عنوان مثال در حالی از نداشتن مجوز تولید سریال حرف زده‌اند که پیش از این خبر تصویب طرح یا فیلمنامه سریال منعکس شده بود و در یک نوبت حدود بیست دقیقه از سریال در بازبینی توسط ساترا حذف و کم شده بود. در جای دیگری عده‌ای عنوان کرده‌اند که سرمایه بکارگرفته شده در سریال آلوده بوده است. همان اتهامی که سالها قبل برای سریال‌های نمایش خانگی در عصر DVD مطرح می‌کردند. به فرض هم که این ادعا صحت داشته باشد، برخورد با ریشه پولشویی و فساد طیره عقل است و برخورد با معلول راه به جایی نمی‌برد. بنا نیست سریالی با صرف هزینه هنگفت طیذسالها ساخته و آماده نمایش شود و تازه یک عده فیل‌شان یاد هندوستان کند و به اتهام پراکنی مشغول شوند که ایها الناس چه نشسته‌اید که سووشون با پول و سرمایه مشکوک و کثیف تولید شده است! حرف آخرم؛ انسداد دامنه سایت نماوا هر روز که ادامه یابد، موجب ضمان و حق الناس است و کسانی که این دین بر گردن‌شان است باید درصدد جبران آن برآیند.

تا این لحظه که در حال نگارش این یادداشت هستم، هنوز تکلیف وبسایت مسدود شده نماوا مشخص نشده است. امیدوارم در روز و ساعتی که شما خواننده محترم این مطلب را می‌خوانی، مشکل ادامه نمایش

سریال سووشون و دسترسی به نماوا برطرف شده باشد و پس از این هیچ مقامی به واسطه قدرت نتواند نسبت به مسدود سازی پلتفرمی که با میلیاردها تومان سرمایه‌گذاری تاسیس و بروز رسانی شده است، اقدام کند. خوانندگان ارجمند مطلع هستند که در اقدامی کم سابقه مدعی‌العموم به درخواست سازمان تنظیم مقررات صوت و تصویر فراگیر (ساترا) علاوه بر توقیف سریال سووشون ساخته نرگس آبیاری، دسترسی کاربران به نماوا را هم قطع کرد. این تصمیم در عصر جمعه نهم خرداد ماه جاری گرفته شد تا شبکه نمایش خانگی شاهد شدیدترین برخورد ممکن با یکی از پلتفرم‌های نمایش فیلم و سریال باشد.

به دنبال این اقدام موجی از واکنشهای منفی علیه این تصمیم به راه افتاد و به جز فعالان و تشکل‌های صنفی صوت و تصویر فراگیر، تعدادی از حقوقدانان نیز از ابعاد تازه‌ای به بررسی موضوع پرداختند.

وجه مشترک بیانیه‌های انجمن صنفی شرکت‌های ویدیویی برخط و اتحادیه صوت و تصویر فراگیر، تقبیح مسدود کردن دامنه نماوا بود. زیرا این اقدام ناقض حقوق مخاطبان و کاربران مصرف‌کننده دیگر محتوای نماواست. به قولی دال مرکزی هر دو متن انتقاد از انسداد دامنه سایت است.

هر دو بیانیه در باره محتوای سریال و حرف و حدیث‌های مربوط به آن سکوت کرده و تصریح کرده‌اند که اگر هم تخلفی صورت گرفته باشد، باید در چارچوب قانون صورت گیرد.

همچنین در دو بیانیه حفظ امنیت سرمایه‌گذاری و حمایت از کسب و کارهای بومی مورد تاکید قرار گرفته است.

به نظرم دو تشکل در نشانه‌گیری هدف درست عمل کرده‌اند. لحن بیانیه‌ها تند نیست و همگان با امید به اینکه سوءتفاهم پیش آمده هر چه زودتر برطرف شود، درخواست کرده‌اند که بین تخلفات احتمالی سازندگان و منتشرکنندگان سریال با موضوع دسترسی به پلتفرم تفکیک باید قائل شد و هر دوی آنها را با یک چوب نراند. در نخستین روزهای پس از این اتفاق تلخ، مدیران ساترا به جای مقام قضایی حرف زدند و توییت کردند و وقتی همه بیانیه گلایه آمیز خانم آبیاری منتشر شد، بازهم دست



## نقش رسانه ملی و قوه قضاییه در کاهش معضلات اجتماعی



شاهپور محمدی

مستندساز و پژوهشگر

جنایت هولناک و فجیع صورت گرفته اخیر، کشور را در بهتی عمیق فرو برد. ابعاد حادثه آنقدر بزرگ بود که اگر همین امروز درسی از آن گرفته نشود و در راستای پیشگیری از وقوع چنین جرایمی فکری نشود، باز هم تکرار آن دور از ذهن نخواهد بود. چه تضمینی وجود دارد که این آخرین فاجعه انسانی باشد؟ سوال اینست که چگونه عده‌ای در جامعه به راحتی می‌توانند به هر طریق ممکن انسانها را به کام مرگ و نابودی بکشانند؟ این جرات، جسارت و آزادی عمل افراد از کجا ناشی می‌شود؟ چرا ترس از قانون و مجازات در جامعه تا این حد از بین رفته است که عده‌ای به راحتی میتوانند به هر عمل فجیع و دلبخواهی دست بزنند؟ چرا مسببین اینگونه اعمال هولناک، نمی‌دانند که اینگونه رفتارهای مجرمانه به نابودی خودشان ختم خواهد شد و از دست مجریان قانون در امان نخواهند بود. چرا با علم به این فرجام سخت، به راحتی به اعمال و رفتار شنیع و غیر انسانی دست می‌زنند؟ جایگاه آموزش معضلات اجتماعی و ایجاد ترس از قانون با چه کسی و کدامین نهاد قانونی است؟ هم‌اکنون، آنچه اهمیت پیدا می‌کند بحث جرایمی این رفتارهای مجرمانه در جامعه است. جایگاه آموزش، دانش و آگاهی نسبت به جرم و ترس از مجازات یکی از مفاهیم مهمی است که در این‌گونه رخدادها جای بحث و بررسی پیدا می‌کند. اینکه چرا یک مجرم نباید از غایت و فرجام سخت رفتار خود هیچ‌گونه نگرانی و واهمه‌ای داشته باشد؟ آیا شیوه اجرای احکام کیفری در مورد مجرمین جامعه دچار اشکال است؟ چرا این جانیان هیچ‌گونه ترس از مجازات و تنبیه ندارند؟ مرتکبین چنین جنایتهایی، از قصاص و کیفر سنگین جرم خود که اعدام، حداقل آنهاست، تا چه میزان مطلع بوده و از جزئیات احکام کیفری خود خبر دارند؟ آیا عمده دلایل این‌گونه اتفاقات ناگوار در جامعه از نبود آگاهی دقیق نسبت به جرم و احکام مربوط به آن نمی‌تواند باشد؟ جایگاه «آموزش قانون» در مقابل این‌گونه جرایم کجاست؟ مسوولیت این‌گونه آموزش‌ها در جامعه به عهده کدامین مرجع و یا مراجع قانونی است؟ قوه قضاییه؟ نظام فرهنگی، آموزشی؟ نظام رسانه‌ای؟ کدام یک؟ آیا اگر نظام قضایی کشور، شدت کیفر و مجازات مربوط به اینگونه جرایم فجیع انسانی را با قاطعیت تمام، از طریق رسانه ملی برای آحاد مردم آموزش میداد، هم‌اکنون شاهد این همه جرم و جنایت در جامعه بودیم؟ با این اتفاقات صورت گرفته که تعدادشان در لایه‌های مختلف جامعه کم هم نیستند، آیا خلأ آگاهی عمومی در بین مردم احساس نمی‌شود؟ آیا غیر از این است که ایجاد دانش حقوقی و قضایی توأم با هشدارهای امنیتی در کشور، به رشد و بالندگی جامعه کمک کرده تا جایی که حتی مجرم و بزهدار نیز خواهد فهمید که معنای حقوق دیگران چیست و در صورت تخطی از آن با چه سرنوشت تلخ و سختی مواجه خواهد بود...! وقتی در این زمینه‌ها فرهنگ‌سازی کافی صورت نگیرد، طبیعی است که جامعه نیز به سمت تشنت و افسارگسیختگی کشیده خواهد شد. موضوع مهمی که هم‌اکنون در نظام حکمرانی کشور ما به فراموشی رفته، مقوله مهم آموزش

و آگاه‌سازی مردم است. جنایت اخیر به ما هشدار داد که جامعه هنوز در حداقل‌های خود در امر فرهنگ عمومی و رفتارهای اجتماعی، دچار نقصان و کمبود شدید است. در یک جامعه پویا، منتظر نمی‌مانند تا جنایتی اتفاق بیفتد و آنگاه وارد عمل شوند، بلکه با آگاهی بخشی عمومی، جامعه را از بروز چنین اعمال خطرناکی برحذر می‌دارند. متأسفانه امروزه در جامعه، منتظر اتفاقات ناگوار ماندن و کثرت روزانه پرونده‌های قضایی به بخشی از زندگی مردم تبدیل شده است. در حالی که باید برعکس عمل شده و تصور ارتکاب جرم از افراد جامعه گرفته شود. وقتی آگاهی کافی نسبت به کیفر جرایم در جامعه وجود نداشته باشد و تخطی کنندگان از قانون، نسبت به میزان و نحوه مجازات خود بی‌اطلاع باشند، یا بعد از دستگیری مجرم، با اقل مجازات با او برخورد شود، طبیعی است که سطحی‌نگری در مورد معضلات اجتماعی رواج یافته و هرگونه جرم و جنایتی نیز به راحتی در جامعه اتفاق خواهد افتاد. قوه قضاییه باید شدت قاطعیت خود را در برخورد با جرم در جامعه به اثبات برساند و نهاد رسانه ملی را برای آموزش همگانی در این زمینه‌ها مجاب کند. هشدارهای پلیس و قوه قضاییه در امر پیامد رفتارهای هنجارشکنان و مبارزه قاطعانه با ناقضان قانون در رسانه‌ها باید مدام از طریق رسانه ملی مشاهده شوند. آشنایی هر چه بیشتر مردم با قوانین مربوط به جرایم و مجازات‌ها، از وظایف اصلی رسانه ملی کشور است. آنچه در رسانه ملی عمدتاً مشاهده می‌شود، اخبار و گزارش مربوط به بعد از وقوع جرم و دستگیری مجرم است. در حالیکه این رسانه، ابتدا باید بیشترین تلاش و همت خود را به آموزش قوانین بازدارنده با نگاه پیشگیرانه معطوف کند تا ترس از قانون و مجازات و حبس و زندان باعث منع افراد نسبت به گرایش به سمت رفتارهای مجرمانه شود. کم‌کاری در زمینه آموزش همگانی از طریق رسانه ملی باعث گردیده تا افراد شرور در جامعه با گستاخی تمام به هرگونه ایجاد رعب و وحشت و جنایتی دست بزنند. رابطه بین مردم و نهادهای انتظامی و قضایی کشور باید تنگاتنگ شود. قوه قضاییه با همکاری نهاد رسانه ملی می‌بایست تلاش خود را معطوف به پیشگیری از جرم کند و منتظر اتفاقات ناگوار نماند. اطلاع‌رسانی رسانه‌ای در مورد حوادث و اتفاقات و حتی بازنمایی آنها از طریق برنامه‌های مختلف تلویزیونی در عین حال که نیاز جامعه است، اما کافی نیست. نظام رسانه با هرگونه ابزار و امکاناتی باید آحاد جامعه را با قوانین سفت و سخت مربوط به جرم و جنایت آشنا سازد تا ترس از قانون و مجازات در جامعه نهادینه شود. بدیهی است اگر فرهنگ‌سازی در ابتدای امر به صورت فراگیر صورت گیرد و با مجرمان و خاطیان با قاطعیت برخورد شود، افراد سودجو و تبه‌کار نیز جرات و جسارت تعدی به حریم دیگران در جامعه را به سادگی نخواهند داشت.



## دلنوشته نادر طریقت

ما ایرانی‌ها هم نیستند، آنها به رستوران‌هایی می‌روند که هر پرس غذایی سه، چهار میلیون تومانی و یا بیشتر، به کنسرت‌های داخلی میرن و با پولی که دارند برای دیدن کنسرت‌ها در کشورهای مختلف سفر میکنند، دیدن کنسرت کسانی که برای مستضعفین به قول آنها حرام است و برای آنها حلال است. شما در نظر بگیرید هیچ کنسرتی را در تلویزیون میلی به خاطر اینکه نمی‌توانند سازهای موسیقی را نشان دهند، اجازه نمایش نمی‌دهند و نشان دادن سازها حرام است، اما در این کنسرت‌ها، در رستوران‌ها، در افتتاحیه و اختتامیه جشن‌ها و جشنواره‌ها که از ما بهتران در آنها حضور دارد حلال است.

این دوگانگی و چندگانگی در این مملکت کی به پایان می‌رسد؟ کی یک مسئول در راس امور قرار می‌گیرد و این اجحاف‌ها را از میان بر میدارد و وارثان واقعی ایران کی به ارث واقعی خودشان میرسند؟

**نادر طریقت: روزنامه نگار- فیلمساز و نویسنده**

بهترین خوانندگان را در تلویزیون خود مشاهده کنند.

آقای اورنگ شما چه توقعی داری از وزیر و مسئولینی که فقط به فکر نگه داشتن میز و صندلی خودشان هستند، به فکر مستضعفین باشند، برادر خود مسئولین اعلام کردند که هفتاد درصد مردم ایران زیر خط فقر هستند، این جماعت آیا می‌توانند جز سیر کردن شکم خودشان و زن و فرزندانشان باشند؟

اگر یک خانواده پنج نفره بخوان به کنسرت یک خواننده مورد علاقه شان بروند حدود ده میلیون تومان برایشان خرج بر میدارد، یک کارگر، یک کارمند، یک بازنشسته مگه کلاماها نه چقدر حقوقش است، ما انقلاب کردیم، ما جنگ کردیم، ما زیر خروار خروار موشک زندگی کردیم، چی شد؟

انقلاب و ثروت کشور به دست عده‌ای معدود افتاده، کسانی که پنج درصد جمعیت

چند روز پیش مطلبی از دوست عزیزم آقای سید رضا اورنگ در فضای مجازی پخش شد مبنی بر رفتن وزیر ارشاد به یک کنسرت و من به عنوان یک روزنامه‌نگار قدیمی و دلسوز جامعه لازم دانستم مطلب زیر را مرقوم نمودم و تقدیم خوانندگان محترم شما قرار دهم و امیدوارم شاید باعث شود کمی مسئولان را به فکر فرو ببرد.

برادر عزیز وقتی انقلاب کردیم، همه حرفها و سخنرانی‌ها از امام و رهبر گرفته تا مسئولین پایین دست درباره این بود که کشور برای مستضعفین و حرفها و شعارهای آنها پیروزی مستضعفان بر کاخ‌نشینان است و این شعارها فضای زندگی همه را پر کرده بود، یادم میاد یک کارمند دون پایه با حقوق دریافتی خود، می‌توانست زندگی خوبی برای خانواده اش فراهم کند و آخرهای هفته هم زن و بچه رو به سینما و یا رستوران‌ها که بهترین خواننده‌ها آنجاها می‌خواندند، ببرند، البته کسانی هم بودند که در آمد کمتری داشتند، اما به خوبی زندگی میکردند و اگر هر هفته نمیشد به رستورانی و یا مکان ساز زن ضربی برن، لاقل دو ماه یک بار این جزو برنامه شان بود، سینما که دیگه نگم، کمترینش هفته ای یکبار بود و اگر حتی نمیتوانستند به کنسرتی و یا رستورانی بروند، لاقل در تلویزیون مثل رنگارنگ و شوهای مختلف فریدون فرخزاد یا قریب افشار می‌توانستند





## هنرمندان پیشکسوت راج نهم



جبار آذین  
مدرس و منتقد سینما و تلویزیون

و سال تا سال حال و احوال هنرمندان را نمی‌پرسند و به مسائل و گرفتاری‌های آن‌ها که جزو وظایفشان است، رسیدگی نمی‌کنند. آن‌ها اصلاً هنرمندان و هنر را نمی‌شناسند، مگر فقط آن عده هنرفروش و بله قربانگو را که فیلم‌ها و سریال‌های بی‌مسمای فرمایشی بودجه بر باد ده می‌سازند. امروز و متأسفانه بیش از دیروز، جامعه، شاهد حضور هنرمندان بیکار و بیمار و منزوی و گرفتار است و این مشکلات آن‌ها بیش از هر چیز حاصل غفلت و نادانی، سهل‌انگاری و خود و منفعت و صندلی پرستی همان نامدیران و نامسئولان است. اوس محمود دو روز قبل موفق شده بود به اتفاق چند تن از دوستانش که اغلب کارگر و کارمند و راننده تاکسی بودند به عیادت استاد و پیشکسوت تئاتر و تلویزیون و سینما عنایت بخشی که در بیمارستان بستری بود بروند و عرض ارادت هنرمند دوستی مردمی خود را به نمایش گذارند. باسپاس از اوسا و رفقاییش و ملت هنر و هنرمند پرور کشور، خطاب به نامسئولان و نامدیران فقط می‌گوییم: "خجالت بکشید و بساط نامردمی و غیر انسانی خود را جمع کنید!"

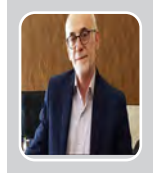
هنرمندان نامدار و کم‌نام، پشت و جلوی دوربین‌های سینما و سیما و عرصه‌های تئاتر و موسیقی و تجسمی به‌ویژه بزرگان و پیشکسوتان حوزه‌های هنر و قلم که با شور و عشق و علاقه و تعهد و انگیزه خدمت به هنر و فرهنگ و مردم و کشور، سالها به هنرآفرینی پرداخته و بر انسان‌ها و زندگی‌ها و تکامل فرهنگی و اجتماعی تاثیر گذاشته و نقش‌آفرین بوده‌اند و با سربلندی از کوه‌ها و دره‌های مشکلات و معضلات عبور کرده و با هنر خود کاسبی نکرده و بازیچه دست فرصت طلبان سیاسی، اقتصادی و اجتماعی نشده و با عزت و حرمت به رغم دست‌های تهی از مال و مکتب و ثروت، شرافتمندانه زیسته‌اند، در تاریخ فرهنگ و هنر ایران زمین و قلب‌های ملت هنر و هنرمند دوست، جایگاهی رفیع دارند و مورد احترام‌اند. درست بر خلاف نداشتن جایگاه و ارجمندی نزد نامدیران و نامسئولان سینما و سیما و فرهنگ و هنر که اغلب مجریان سیاسی اهداف و سیاست‌های غیرملی و غیرمردمی هستند

## مترجم برجسته کتاب‌های سیاسی به دیار باقی شتافت



را در روزنامه‌ها می‌خواندم. مدتی بعد بیژن در کار انتخاب عنوان کتاب و ترجمه تحسین برانگیز آن به شهرت رسید و به برند تبدیل شد. در سالهای اخیر در شبکه‌های اجتماعی لحن تند اما هشدار دهنده‌ای در نوشتارهایش آشکار بود. او

منتقد وضع موجود بود و ترجیح داد با انتخاب معنادار کتاب‌های سیاسی و یا بیوگرافی، پیامش به دولتمردان را غیرمستقیم منتقل کند. کتاب‌های تازه بیژن اشتري در نمایشگاه‌های کتاب، طرفداران خاص خود را داشت و بسیاری از ناشران مشتاق همکاری با او بودند. زمینه اغلب کتاب‌های او به تناسب موضوع کتاب و شخصیت کلیدی آنها که اغلب به اردوگاه چپ وابسته بودند، قرمز بود. کاور کتاب‌های بیژن وجه تمایز آثار اوست. بیژن علاقه زیادی به سرگذشت دیکتاتورهای تاریخ داشت تا خواننده ایرانی، با زوایای بیشتری از زندگی خصوصی و کنش‌های سیاسی شخصیت‌های مستبد تاریخ آشنا شود. روحش شاد و نامش ماندگار



سعید رجبی فروتن

نیمه اول دهه پنجاه با بیژن اشتري در دوره دبیرستان هم‌کلاس بودم و کنار هم می‌نشستیم. دبیرستان صمصامی در اراک محل تحصیل دانش‌آموزانی بود که اغلب به اقشار متوسطه و مرفه جامعه تعلق داشتند و ما فرزندان خانواده‌های کارگری در اقلیت بودیم. سر و لباس بیژن نشان می‌داد که وضع بدی ندارند و آنقدر قدرت دارند که هر چند وقت یکبار لباس نو به تن کنند. بیژن خوره روزنامه و مجله بود و یکی از مشوقین من به روزنامه خوانی بود. به توصیه او من که وضعی نداشتم، روزهای پنجشنبه روزنامه می‌خریدم که صفحات آن بیش از پنجاه صفحه بود و اغلب مطالب متنوع آن را می‌بلعیدم. بیژن شاید دوست داشت من خواننده مطالب جدی‌تر باشم تا با هم بحث کنیم اما از شانس بد او و من، علاقه مند به خواندن صفحات طنز و ادبی و سرگرمی بودم. بیژن از همان نوجوانی علاقه مند به مسائل سیاسی بود. البته من نشانه‌ای از اینکه او و خانواده‌اش ضد رژیم باشند، ندیدم. بیژن متون درسی انگلیسی را خیلی خوب می‌خواند و برخلاف ما انگلیسی را با لهجه فارسی نمی‌خواند! دیپلم را که گرفت در رشته زیست‌شناسی دانشگاه تهران پذیرفته شد اما در بیست سال گذشته عمرش را در کار ترجمه کتاب‌های مهم در حوزه علوم سیاسی گذراند. بعد از انقلاب هیچگاه او را ندیدم و فقط دورادور ریویوهای سینمایی او

## ابتکار اوس محمود برای سینماگران زیرزمینی



جبار آدین  
مدرس و منتقد سینما و تلویزیون

آن‌ها و دیگر هنرمندان گلایه‌مند است، برای حمایت از سینماگران بیکار و منزوی و منقد و اپوزیسیون ساخته شده‌ها بر اثر نادرستی‌ها و ناراستی‌های نامسئولان سینما و حمایت از سینماگران زیرزمینی دست به ابتکار جالبی زده است.

می‌گفت، گفتم: عزیزجان، خانه از پایبست ویران است، گیریم چند صباحی این گونه شد، فکر نمی‌کنید که اوضاع خرابتر شود و این بار سخت‌تر گوش سینماگران زیرزمینی پیچیده شود؟!

نه اوسای عزیز این‌ها حکم مسکن را دارد و راه درمان بیماری‌های سینما و سلامت سینماگران نیست. سینما و فرهنگ و هنر به یک خانه‌تکانی و تحول اساسی نیاز دارند.

با این حال طرح شما تا زمان اجرایی شدن شرایط، برای تحول در سینما به عنوان مسکن، می‌تواند کمی از اندوه سینماگران بکاهد.

اوس محمود گفت: ای‌والله پس ما دست به کار شویم و برویم سراغ مصالح و کارگر و غیره. گفتم: بله، از هیچ بهتر است، به امید خدا دست به کار شوید، و اوس محمود رفت تا زیر زمین‌های امن سینما را بسازد و من هم مشغول نوشتن این یادداشت شدم تا بگویم، حال که نامسئولان و نامدیران به فکر حال و احوال سینما و سینماگران و هنرمندان نیستند، ولی اوس محمودها و دوستانشان به یاد آن‌ها هستند و از سینما و سینماگران ملی و مردمی حمایت می‌کنند.

او دیروز با هیجان و آب و تاب و در حالی که دلسوزی از سخنانش می‌بارید به من گفت: آقا من کلی فکر کردم و دیدم که سینماگران و هنرمندان زیرزمین‌نشین، اکنون هم که از روی زمین به زیر زمین رفته‌اند، در آنجا هم در امان نیستند و ممکن است این قبیل زیر زمین‌های سنتی یکباره آوار شده و بر سرشان بریزد و یا موجودات دیگر از درزها و سوراخ‌های زیرزمین به سراغشان بروند و باعث آزار و اذیت آن‌ها شوند، از آنجا که می‌دانید من معمار و بنا هستم، تصمیم گرفتم تا با ساختن یکسری زیر زمین‌های محکم و امن، شرایط سکونت سینماگران زیرزمینی را دست‌کم تا زمان رها شدن از هنر زیرزمینی و مهیا شدن اوضاع در روی زمین، کمی تا قسمتی آسان کنم.

از همین‌رو، با طراحی یکسری زیر زمین‌های استاندارد و کمک همکارانم بنا داریم از یک، دو روز دیگر آستین‌ها را بالا بزنیم و مشغول تولید و ساختن زیرزمین‌های هنری و سینمایی شویم. به او که همچنان با علاقه از طرح برنامه‌هایش سخن

تداوم تولید فیلم‌های زیرزمینی و پیوستن روز افزون سینماگران متفاوت‌اندیش و متفاوت‌ساز اجتماعی بیکار و خانه‌نشین به آن‌ها که اغلب زخم خورده سینمای منسوخ و وابسته به دلارهای نفتی دولتی/نهادی و مناسبات غلط حاکم بر سینما و نامدیریت‌های سیاست و تجارت پیشه سینما و حکومت سانسور و سلیقه بر سینما هستند، سبب شده تا آن‌ها به ناچار دل را به دریا زده و به تولید فیلم در زیر زمین رو آورده‌اند.

این طیف از سینماگران که در میانشان سینماگر منقد و فیلمساز اپوزیسیون شده هم حضور دارند، چون قرار است خارج از چارچوب قانون و سلیقه و سانسور و فشار فیلم بسازند، پیه همه چیز را به تن خود مالیده‌اند.

پرسش همگان این‌که، این عده چرا طیف سینماگران زیرزمینی را شکل داده‌اند و چه چیز آن‌ها را از روی زمین به زیر زمین سوق داده است، بر اهالی هنر و قلم خردمند و مردم فهیم و هنردوست، روشن و عیان است و همگان ولادت آن را نتیجه نبود خرد و اعتماد و اطمینان و گفتمان فرهنگی و نقد و اصلاح ناپذیری نامدیران و نامسئولان سینما، هنر و فرهنگ می‌دانند.

اوس محمود که از وجود این گروه از سینماگران و مشقت‌های



# بزرگترین تولیدکنندگان برق در جهان

⚠️ ۶ کشور قدرتمند دنیا، امروزه در لیست بزرگترین تولیدکنندگان برق جهان از نظر حجم تولید (تراوات ساعت) هستند. تولید برق در این کشورها از منابع مختلف از جمله انرژی هسته‌ای، آبی، حرارتی (مانند زغال سنگ و گاز طبیعی) و منابع تجدیدپذیر (مانند انرژی خورشیدی و بادی) در مقیاس جهانی ادامه دارد.



مقیاس اعداد: ۱۰۰۰ تراوات در ساعت ⚠️

